هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم –سال چهاردهم – شمارهٔ بیست و نهم ۳ عقرب ۱۳۹۴ ۱۱ محرم الحرام ۱۴۳۷ 25 October 2015



رهبر شهید در همایش عاشورای سال ۱۳۸۸:

حادثهٔ کربلا، یک‌درس و یک‌مکتب بزرگ عقلانی و دینی‌است

ص۳



فرمانده گلیمباف مظلومانه به شهادت رسید

شنیدن خبر شهادت برادر مجاهد عبدالمجید گلیمباف، فرماندهٔ پولیس ولسوالی غورماچ ولایت فاریاب مایهٔ اندوه فراوانم شد.

شهادت او و همراهانش را به همهٔ مجاهدین و نیروهای امنیتی و مردم افغانستان به ویژه خانواده های شان و مردم مجاهد فاریاب تسلیت عرض کرده، برای این شهدا از بارگاه ایزد متعال بهشت برین می خواهم.

فرمانده عبدالمجیدگلیمباف از فرماندهان غیور و مؤمن پیشین جمعیت‌اسلامی افغانستان در ولایت فاریاب بود و پس از آن که در ماه های اخیر موج جدید هجوم هراس افگنان امنیت و آرامش مردم مجاهد ولایت فاریاب را برهم زد، او کمر همت بست و برای تأمین امنیت مردمش به عنوان فرماندهٔ پولیس ولسوالی غورماچ رفت و در این مدت مردانه در مقابل هراس افگنان رزمید.

او هفتهٔ گذشته برای چند روز در محاصرهٔ تروریستان قرار گرفته و همراه با نیروهایش تا شلیک آخرین گلوله مقاومت کردند تا این‌که به اسارت درآمده و به صورت بی رحمانه به شهادت رسانیده شدند.

به شهادت رسانیدن مظلومانهٔ فرمانده گلیمباف که اسیر شده بود، بار دیگر نشان داد که تروریستان جنایتکار پایبند هیچ اصول اسلامی و انسانی نبوده اند.

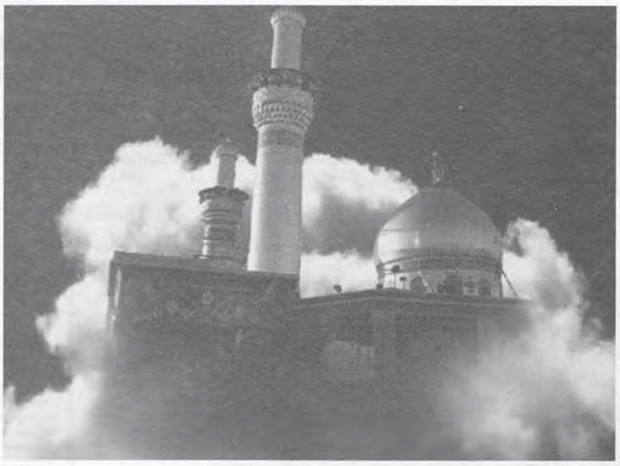
نارسیدن کمک به فرمانده گلیمباف و نیروهایش که چهار روز در محاصرهٔ دشمن قرار گرفته بودند، مایهٔ تأسف جدی بوده و پرسش جدی ای را مطرح کرده است.

امیدواریم که نرسیدن کمک به موقع، بررسی و به این پرسش های مردم پاسخ قناعت بخش داده شود.

صلاح الدین ربانی

رئیس جمعیت اسلامی افغانستان

و وزیر امور خارجه



شهادت سالارِشهدا حضرت امام‌حسین (رض) و یارانِ گران‌قدرش را در حادثهٔ‌کربلا به همهٔ امّت‌اسلامی تسلّیت می‌گوییم

رسانه‌ها و انسانها

وحید مژده

اروپا با سیلی از مهاجرت ها از آسیا بخصوص شرق میانه روبروست. انتشار یک عکس از (ایلان) طفل کرد سوری که قایق حامل او و خانواده اش در آب های ترکیه غرق شد و موج آب پیکر کوچک و بیجانش را به ساحل آورده بود، اروپا را تکان داد و مرز های این کشور ها را بروی صدها هزار مهاجر که اکثریت شان مسلمان اند، باز کرد.

در جنگ خانمان برانداز سوریه تا اکنون صدها هزار زن و مرد و طفل جان های خود را از دست داده اند. تنها در یک مورد در نتیجهٔ حمله با گاز کیمیاوی، ده ها طفل در جلوی چشم جهانیان که این ماجرا را از طریق تلویزیون می دیدند کشته شدند اما در غرب صدایی در حمایت از این جان باختگان معصوم برنخاست و عبور بشارالاسد از خط قرمزی که امریکا برایش کشیده بود نیز عکس العمل جدی از جانب قصر سفید را به همراه نداشت.

چرا آنهمه کشتار ها تاثیری بر روح و روان غربی ها نداشت اما تصویر جسد بیجان یک طفل اینهمه واکنش برانگیخت و دروازه های اروپا را بروی صدها هزار مهاجر که از جنگ فرار می کردند، گشود؟

دلیلی که چنین احساسی را برانگیخت و اروپا را تکان داد این بود که بسیاری از مردم اروپا خود را به دلیل اعمال محدودیت در قبول پناه جویان از جانب کشور های شان مقصر احساس کردند و در جان باختن ایلان احساس گناه نمودند اما کشته شدن هزاران طفل دیگر در سوریه و عراق و سراسر جهان اسلام را که در جنگ ها کشته می شوند به خود مربوط نمی دانند. در مورد آن کشتار ها رسانه ها



طوری تبلیغ می کنند که این خود مسلمانان اند که بجان هم افتاده اند.

آنها مردم نیمه وحشی اند که جامعهٔ مدنی را بر نمی تابند. جنگ آنها جنگ ما نیست و رابطه ای هم با ما ندارد. در این میدان تبلیغات که رسانه ها میدان دار آنند، کسی در مورد نقش غرب در آتش افروزی جنگ ها نمی اندیشد. وظیفهٔ رسانه های تحت تسلط سلطه گران ص۲

ایران پس از توافق هستوی با غرب

ص۲



بازگشت همه بسوی اوست

با اندوه زیاد، صبح روز پنجشنبه خبر درگذشت استاد قربان علی عرفانی رهبر حزب وحدت اسلامی ملت افغانستان و نمایندهٔ مردم کابل در مجلس نمایندگان را شنیدم.

إِنَّا للهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

استاد عرفانی عمرش را در مبارزه و مجاهدت برای تحقق اهداف والای اسلامی، آزادی و استقلال کشور و تحقق عدالت اجتماعی سپری کرده بود. او یکی از چهره های خوش نام خانوادهٔ بزرگ جهاد و مقاومت مردم افغانستان و یکی از شخصیت های دانشمند، حلیم و با متانت این جریان بزرگ بود.

در حالی که شنیدن خبر درگذشت استاد عرفانی مایهٔ اندوه فراوانم شد، به خانواده، دوستان و یاران دوره های سنگر و مبارزه اش تسلیت عرض کرده و برای مرحوم، از بارگاه خداوند جل جلاله بهشت برین می خواهم.

امیدوارم که یاران استاد عرفانی، در مسیر اهداف و آرزوهای ارزشمند او به پیش حرکت کرده و یادش را زنده نگه دارند.

صلاح الدین ربانی

رئیس جمعیت اسلامی افغانستان

و وزیر امور خارجه

مبارزه با غاصبان‌زمین، وظیفهٔ دولت‌است

ص۲

د ملګرو ملتونو سازمان نړیواله ورځ او د دغه سازمان اویا کلن عمر ته یوه کتنه

۴مخ

شام‌ما– ای‌شام مقدس‌ما آزادی‌ات محتوم‌است!

ص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیئت تحریر
آدرس: کابل، کلوله پشته، سرک ۴، پهلوی شفاخانهٔ بلاسم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ / ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

مبارزه با غاصبان زمین، وظیفهٔ دولت است

هفتهٔ که گذشت، جلسهٔ شورای عالی اراضی تحت ریاست رئیس جمهور غنی دایر و اعضای این شورا، طرح ها و پیشنهادات شانرا در زمینهٔ جلوگیری از غصب زمین های دولتی و ستراتیژی مبارزه با آن و همچنان ثبت اراضی اوقاف از طریق وزارت ارشاد، حج و اوقاف ارائه نمودند.

جلسهٔ شورای عالی اراضی در خصوص چگونگی ستراتیژی مبارزه با غصب زمین، اقدامات و تدابیر حکومت در زمینهٔ تشخیص غاصبین، ایجاد محکمهٔ اختصاصی و استرداد اراضی غصب شده، صحبت و ابراز امیدواری کردند که نتایج خوبی در قبال خواهد داشت.

در خبرنامهٔ ریاست جمهوری آمده است، اعضای شورا پیشنهاد نمودند که مضمون درسی تحت عنوان حقوق ملکیت ها و استملاک در نصاب درسی پوهنزی (دانشکده) های مربوط درنظر گرفته شود. خبرنامه، نقش علما را در این امر موثر خوانده، تا کنفرانس های بزرگ علمی با حضور علمای دینی راه اندازی و در نتیجه، برعلیه غاصبین زمین فتوای شرعی صادر گردد.

غصب زمین های دولتی و در برخی موارد غصب زمین های مردم، توسط زورمندان به معضلهٔ کلان تبدیل شده است که از این ناحیه، زورمندان مالک شهرک های بزرگ و جایداد شدند و پول های هنگفتی بدست آوردند و زورمندتر از پیش شده اند. مردم حکومت را به باد انتقاد می گیرند که در جلوگیری غاصبان زمین، ناتوان بوده و این ناتوانی، آنها را جرئت مندتر گردانیده است.

دوسال پیش، ادارهٔ اراضی از غصب بیش از چهار میلیون جریب زمین در مناطق مختلف کشور خبرداده گفته بود، بخش زیاد از زمین ها در این کشور توسط زورمندانی که از حمایت قوی مقام های حکومتی برخوردار اند، صورت گرفته است.

بحث روی غاصبان زمین، در کشورما تازه گی ندارد، بارها اندرین باب صداهای از سوی نهادهای دولتی بلند شد و نشست ها و بحث هایی حتا در مجلس نماینده گان صورت گرفت، کمیسیونی جهت بررسی موضوع و افشای نام های غاصبان زمین تشکیل و سروصدا در همان زمان ایجاد کرد، اما بعداً چنان آب سرد بالای آن پاشیده شد و به تاق فراموشی سپردند که دیریست حرفی اندرین باب شنیده نمی شود!

اینکه رئیس جمهور غنی، والی ها، فرماندهان امنیه و رؤسای امنیت ملی را وظیفه سپرده تا پلان برگشتاندن اراضی غصبی را مورد تطبیق قرار دهند، و به شورای عالی اراضی هدایت داده، روی موارد تطبیقی جلوگیری از غصب اراضی پلان واضح ترتیب شود، به ادامهٔ تعهدهای دیگر حکومت، این اقدام را نیز فال نیک می گیریم تا حکومت وحدت ملی بتواند، حق دولت و مردم را از حلقوم غاصبان بیرون و به این معضله، نقطهٔ پایان دهد.

غصب زمین و بسا نا برابری ها و چالش های دردسر ساز دیگر، از قانون گریزی و فقدان قانون مداری در کشور شکل می گیرد. آنچه می تواند جلو خودسری ها را بگیرد، تطبیق عادلانهٔ قانون است. در نبود قانون و عدم تطبیق آن، به یقین، زور و زر و تزویر حاکم و سود آن را منفعت جویان خواهند برد. قانون گریزی و عدم توجهٔ به قانون، چالشی است که نظام اجتماعی را برهم می زند.

ایران

پس از توافق هستوی با غرب

ابوبکر سبزوار

بعد از سالها کشمکش میان ایران و غرب بر سر برنامهٔ اتومی این کشور، سرانجام در ماه مارچ امسال گروه ۵+۱ در لوزان سویس با ایران به توافق دست یافت. مشکلی که ایران را سال ها در تنگنای تعزیرات اقتصادی قرار داده بود، قرار است به تدریج برطرف گردد.

ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در این کشور با امریکا از در مخالفت در آمد و بخصوص موضوع گروگان گیری دیپلومات های امریکایی در تهران خاطره ای را در ذهن امریکایی ها ایجاد کرد که تا به امروز نیز از میان نرفته است. لابی قدرتمند صهیونیست ها در امریکا نیز موانع بزرگ سر راه برنامهٔ اتومی ایران بمیان آورد و ایران با تعزیرات اقتصادی از طرف جامعهٔ جهانی مواجه شد. در نتیجهٔ این تعزیرات، بهای این برنامه برای ایران نیز به صدها ملیارد دالر بالغ شد. هرچند ایران می خواست به جهانیان اطمینان بدهد که برنامهٔ اتومی اش صلح آمیز است اما مخالفین ایران این ادعا را نپذیرفتند.



تنها اسرائیل نبود که برنامهٔ اتومی ایران را چالشی برای خود می دانست. کشور های عرب حاشیهٔ خلیج فارس و عربستان سعودی نیز با این برنامه مخالف بودند. آنها به این باور بودند که اگر ایران به سلاح اتومی دست یابد، دیگر نمی توان این کشور را کنترول کرد. داشتن سلاح اتومی یک کشور را به محدودهٔ غیرقابل تجاوز مبدل می سازد و دیگر نمی توان به هیچ صورت چنین کشوری را مورد حمله قرار داد.

توافق هستوی دولتمردان ایران را به دو دسته تقسیم کرد؛ گروه محافظه کار که متعقد بودند توافق نکردن بهتر از یک توافق بد است اما در مقابل اصلاح طلبان می گفتند که توافق بد بهتر از توافق نکردن خواهد بود. در امریکا نیز وضع چنین بود. طرفداران اسرائیل در امریکا این توافق را به ضرر اسرائیل می دانستند که بیشتر شامل جمهوری خواهان بودند اما طرفداران توافق به این باور بودند که نظارت بر این توافق برای مدت طولانی در حقیقت تضمینی بر این امر است که ایران قادر نخواهد بود سلاح هستوی بسازد.

در توافق لوزان ایران دو خواست عمده داشت:

حفظ دست آورد های علمی در عرصهٔ فناوری هستوی.

رفع تحریم های اقتصادی از طرف جامعهٔ جهانی بصورت فوری و بدنبال قبول توافقنامه.

در بخش تداوم فناوری هستوی گروه ۵+۱ توافق کرده اند که ایران می تواند ۶هزار سانترفیوژ خود را فعال نگه دارد هرچند کارشناسان به این باور اند که سانترفیوژ های ایران که ساخت روسیه است متعلق به چند دهه قبل بوده و توان غنی سازی به مراتب پائین تر از سانترفیوژ های نسل جدید را که در کشور های پیشرفته بکار گرفته می شود، داراست. در این نشست در مورد مرکز تحقیقاتی فردو و کارخانهٔ آب سنگین اراک محدودیت هایی در نظر گرفته شد.

در مورد دوم یعنی رفع تحریم ها نیز این نکته مشخص است که تحریم ها فردای روز قبولی توافق از جانب ایران از میان نخواهد رفت و این پروسهٔ بوروکراتیک می تواند تا پایان سال ۲۰۱۵ ادامه یابد. بخشی از این تحریم ها مربوط به شورای امنیت سازمان ملل متحد است که باید در این مجمع روی آن توافق صورت بگیرد و این کار نیز نیاز به زمان خواهد داشت. بخصوص رفع تحریم های بانکی که برای ایران بسیار حیاتی است.

مدیریت برنامهٔ اتومی ایران بخاطر حساسیت آن به دوش رهبر این کشور آیت الله خامنه ای است. آیت الله خامنه ای به مقامات ایرانی دستور داده است که اگر در طول هشت سال آینده امریکا و غرب و به هر بهانه ای بر ایران تعزیرات جدید اعمال نمایند، ایران باید توافق هستوی با شش کشور غربی را پایان یافته تلقی نموده و به حالت قبل از امضای توافق باز گردد.

کشور های غربی در صدد اند تا توافق هستوی را با مسایلی چون رعایت حقوق بشر و یا آزمایش موشک های بالستیک از جانب ایران مربوط سازد اما مقامات ایرانی این توافق را صرفاً یک توافق تخنیکی در مورد برنامهٔ هستوی می دانند. رهبر ایران تاکید کرده که هیچ مقام ایرانی حق ندارد تا بعد از این با امریکا مذاکره نماید.

رفع تعزیرات علیه ایران تا اخیر امسال یا اوایل سال ۲۰۱۶ به مرحلهٔ اجرا درخواهد آمد و با بلند رفتن سطح تولید و فروش نفت، ایران وضع اقتصادی خود را سروسامان خواهد داد. بهبود وضع اقتصادی ایران می تواند روی کشور های همسایهٔ این کشور نیز از نظر اقتصادی تاثیر مثبت برجا بگذارد. از همین اکنون تعدادی از سرمایه گذران ایرانی ابراز تمایل کرده اند تا در افغانستان سرمایه گذاری نمایند.

سخنرانی صدراعظم پاکستان مختل شد!

نوازشریف صدراعظم پاکستان که هفتهٔ گذشته به امریکا رفته بود و با رئیس جمهور آنکشور نیز ملاقات داشت، در انستیتوت صلح واشنگتن، در حال سخنرانی بود، که توسط یکتن از اشتراک کننده گان معترض که بلند شد و با آواز رسا، نوازشریف را به همدستی و دوستی با اسامه بن لادن، طالبان و القاعده متهم کرد، این سخنرانی مختل شد.

صدارعظم پاکستان در هنگام سخنرانی اش در انستیتوت صلح واشنگتن، روی صلح در افغانستان اشاراتی داشت و گفت: "آنها نمی توانند، همزمان طالبان را بکشند و هم آنها را به پای میز مذاکره بیآورند."

به باور مقامات امریکایی و افغان، اسلام آباد در تامین صلح در افغانستان نقشی مهمی را بازی کرده می تواند. امریکا همچنان از پاکستان خواسته است که برای تامین صلح و ثبات در افغانستان نقش کلیدی را بازی کند.

در اعلامیهٔ مشترکی که پس از ملاقات رهبران امریکا و پاکستان به نشر رسید، هردو، از گروه طالبان خواستند که با حکومت افغانستان رو در رو گفتگو کند و برای یک صلح دایمی تلاش نماید.

گفته می شود امریکا از پاکستان خواسته است، برای سرکوب مواضع طالبان در داخل قلمرو کشورش اقدام نماید. گفته هایی که سالهاست نشخوار می شود و جنبهٔ عملی دیده نمی شود!

حادثهٔ کربلا، یک‌درس و یک‌مکتب بزرگ عقلانی و دینی‌است

خواننده گان عزیز! اینک قسمت های سخنرانی رهبر شهید را که در همایشی بمناسبت گرامی داشت از محرم الحرام در تاریخ ۵ ماه جـدی سـال ۱۳۸۸ در کابل ایراد نموده بودند، نشر می گردد. " اداره"

برادران عزیز!

سالروز شهادت یکی از درد ناک‌ترین حادثهٔ تاریخ، حادثهٔ کربلا، شهادت سالارِ شهدا حضرت امام حسین رضی الله عنه و یارانِ گران‌قدر و عزیز اهل‌بیت را کـه در این حادثهٔ خونین جان به‌جان‌آفرین سپردند، به همهٔ شما عزادارانِ حسینی و امّـت اسلامی تسلّیت می‌گویم.

حادثهٔ کربلا؛ نهضت بزرگ در تاریخ جهان و حماسـهٔ فراموش‌ناشـدنی تاریـخ است، این حادثه حرکت جدیدی را در جهان اسلام ایجاد کرد، حرکت تغییر، اصـلاح و قیام برای عزّت و آزادی مسلمانان و نجات امّـت اسـلامی از سـتمگرانِ بـی‌رحمِ تاریخ در هرجایی‌که هستند و الی قیامِ قیامت این حرکت ادامـه خواهـد داشـت، در حادثهٔ کربلا عقل و عاطفه، روح و احساس، همه شریک‌اند.

شکی نیست که سنگ‌دل‌ترین انسان زمانی‌که می‌شنود، در حادثهٔ خونین کربلا، حسین نازنین، حسینی‌که پیغمبر گرامی – صلی الله علیه وسلم – در موردش فرموده بودند:

(حُسَيْنُ مِنِّي وَأنَا مِنْ حُسَيْنٍ..)

(مَنْ سَرَّهُ أنْ يَنْظُرَ إلَى رَجُلٍ مِنْ أهْلِ الجَنَّةِ فَلْيَنْظُرْ إلَى الحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ)

حسینی‌که پیامبر گرامی صلی الله علیه وسلم حتّی در محـراب عبـادت هـم – زمانی‌که او بر شانه‌های قدسی‌اش سوار می‌بود – تا آن‌گاه‌که او را به‌گونـهٔ آرام بـه زمین نمی‌گذاشت، سر از سجده بلند نمی‌کرد، چنان‌که روزی حضرت حسین رضـی الله عنه لحظات طولانی‌ای بر شانهٔ پیامبر گرامی صلی الله علیه وسـلم در حالی‌کـه ایشان سر به سجده گذاشته بودند، سوار بود، و زمانی‌که این لحظات طـول کـشید، اصحاب و یارانِ پیامبر گرامی صلی الله علیه وسلم پریشان شدند که چـه حادثـه‌ای شده که پیغمبر سر از سجده بلند نمی‌کند؟! امّا بعد از اینکه حسین رضی الله عنـه از شانهٔ پیامبر گرامی پایین می‌شود و رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز را بـه پایـان می‌رساند، بعد از سلام، خطاب به مسلمان‌ها می‌گوید: علّـتِ طولانی‌مانـدنِ مـن در سجده این بود که حسین بر پشتم سوار بود و من نخواستم که او را اذیت کنم.

امّا این سنگ‌دلانِ وحشی‌صفت و بی‌رحم، چنین حـسینی را و کودکـانِ او را؛ یعنی کودکان اهل‌بیت را، با کمال بی‌رحمی و بی‌دردانه شهید ساختند، اینجاست که بعد از گذشتِ قرن‌ها هنوز با یاد این حادثه و با شنیدنِ آن، سـنگ‌دل‌ترین انـسان‌ها اشک از چشمان‌شان فرو می‌ریزد و سخت غمگین می‌شوند.

البته حادثهٔ کربلا تنها یک‌حادثهٔ عاطفی نیست؛ یعنی یاد از این حماسهٔ تـاریخ، تنها برای این نیست که عواطف ما برانگیخته شود و غمگین شویم، چنیـن نیـست؛ بلکه این حادثه، یک‌درس و یک‌مکتب بزرگ عقلانی و دینی‌است، درسی‌اسـت کـه الی قیامِ قیامت راه عزّت و نجات را در برابر انسان‌های مظلوم قرار داده‌است.

پس باید پرسید که قیام حسین – رَضِيَ اللّٰهُ تَعَالَى عَنْهُ – برای چه بود؟

خودِ امام حسین رضی الله عنه این حقیقت را بازگو می‌کند که او اصـلاً بـرای پخش فساد و آشوب و یا برای گرفتن سُلطه و قدرت قیام نکرده بـود؛ بلکـه بـرای اصلاح و نجات و برای جلوگیری از پخش فرهنگ بدبختی، ذلّـت و ظلمـت، قیـام کرده بود، بلی یقیناً امام حسین رضی الله عنه این حقیقت را به خوبی درک کرده بود و تاریخ گویایی این مطلب است تا وقتی‌که نظام‌های فاسد و زمامـدارانِ مـستبد بـر جامعه حاکم باشند، هیچ‌اصلاحی در آن جامعه ممکن نیست، چه خـوش گفته‌اسـت، آنکه گفته‌است:

(صِنْفَانِ مِن النَّاس إذَا صَلحَا صَلَحَ النَّاسُ وَإذَا فَسَدَا فَسَدَ النَّاسُ: الْعُلَماءُ وَالأمَرَاءُ)

(دو دسته از مردم‌اند که چون آن‌ها صالح شوند، جامعـه هـم بـه‌طرف صـلاح حرکت می‌کند و اگر آن‌ها فاسد شوند، جامعه در لجـن‌زارِ فـساد دسـت‌وپنجه نـرم می‌کند.)

اینجاست که باید پرسید؛ امام حسین رضی الله عنه باید اصـلاحات را از کجـا شروع می‌کرد؟

حرکت های اصلاحی در تـاریخ بـه انـواع مختلـف چهـره می‌نمایـد: اصلاحات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی؛ امّا تا زمانی‌که اصلاحات سیاسـی در یک‌جامعه به‌میان نیاید و زعامت سیاسی در یک‌جامعه صالح نباشد، دیگـر همـهٔ تلاش‌ها بی‌ثمر خواهد بود، تلاش‌های اصلاحی شاید مفید تمام شوند؛ امّا کم‌ثمـر و حتّی بی‌ثمر خواهند بود، قدرت همیش حاکم بر فرهنگ و بر اقتصاد اسـت، قـدرت همیش سیرِ حرکتِ تاریخ و اجتماع را تعیین می‌کند، پس زمانی‌که قـدرت به‌دسـت عناصر مستبد قرار بگیرد، ما انتظار نداشته باشیم کـه اصـلاحات فرهنگـی بـه‌میان می‌آید و یا هم انتظار نداشته باشیم که اصلاحات اقتصادی به‌میان می‌آیـد و یـا در برابر فساد مُبارَزه صورت می‌گیرد.

پس باید مُبارَزه برای اصلاح رأس قدرت و نظام سیاسی صـورت بگـیرد، اگـر نظام سیاسی فاسد شد، آنجاست که دیگر هیچ‌اصلاحی ممکن نیست.

اینجاست که امام حسین رضی الله عنه تصمیم می‌گیرد که باید تغییری در نظام سیاسی به‌میان بیاید، و این تغییر را به‌خاطر خود نمی‌خواست؛ بلکـه بـه‌خاطر ملّـت، مردم و جامعه می‌خواست؛ زیرا او از جد امجدِ خود شنیده بود:

(مَا تَرَکَ قَوْمٌ الْجِهَادَ إلا عَمَّهُمُ اللهُ بِالْعَذَابِ)

(یک‌ملّت وقتی‌که جِهاد را ترک کنند، خداوند آنان را به عذاب فراگـیریَ مبتـلا می‌کند.)

او در آیینهٔ نظام استبدادی »یزید» ذلّت مسلمان‌ها را می‌دیـد، او نمی‌خواسـت مسلمان‌ها ذلیل باشند؛ بلکه او می‌خواست مسلمان‌ها عزیز و سـربلند باشـند؛ لـذا او برای عزّت مسلمان‌ها کار خود را از طریق اصلاح سیاسی و از طریـق اصـلاح رأس قدرت آغاز کرد، او یک‌حرکت جُدّی را آغاز کرد، از چه می‌دانیم که آن حرکت واقعـاً یک‌حرکت جدی بود؟

ما می‌بینیم‌که امام اگر تنها حرکت می‌کرد، شاید مردم فکر می‌کردند که او زیاد جدی نباشد؛ امّا او طوری حرکت کرد که زیادی از مردم فکر می‌کردند که امام چـرا چنین کاری را می‌کند؟

به سمت یک‌خطر بزرگ! زنان، کودکان، طفلکان را با خود یکجا می‌برد! آیا این خطر جدی، حیات این‌ها را تهدید نمی‌کند؟

حضرت امام – به باور من – با این کار خود نشان داد که او به تمام معنا در این حرکت خود جدی‌است، شعار حضرت امام در واقع چنین بود:

(قُلْ إنَّ صَلاَتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِين)

همه چیزِ خود را فدای خدا و راه سنّت جَدِ امجدش رسول الله – صلی الله علیـه وسلم – سازد و برای همه‌کس نشان بدهد که این حرکت یک‌حرکت نمایشی نیست؛ بلکه یک‌حرکتی‌است که با تمام وجود و با تمام معنا می‌خواهد که یک‌تغییری را ولـو به قیمت شهادت همهٔ اهل‌بیت و اهل خانهٔ او تمام شود، بیاورد.

البته ناگفته نگذریم که امام حسین رضی الله عنه هم نمی‌خواست که همه را در مهلکه قرار بدهد؛ زیرا قرار بر این بود که اهل «کوفه» - بعد از وعده‌های زیادی‌کـه داشتند – به امام بیعت کنند و در کنار او قرار بگیرند و – قسمی‌که می‌دانیم – کوفـه مرکزی از مراکز تجمع بسیاری از غازیان عظیم مـسلمان و مرکـز قـدرت نمـایی و پیروزی‌های عظیم جهان اسلام بود، چنان‌که اهل کوفه شکـست نظـام ساسـانی و نظام‌های قدرتمند را به یاد داشتند؛ لذا حضرت امام حسین رضی الله عنه با این تصوّر حرکت می‌کرد که اهل کوفه در کنار او خواهد بود و به همین خاطر بود که حـضرت امام »مُسلم بن عَقیل» را به‌عنوان نمایندهٔ خود به کوفه می‌فرستند؛ امّا ببینید که در نظام‌های فاسد حتّی در فکر و فرهنگ شخصیت‌های بسیار بزرگ و غازیـان عظیـم هم تغییر ایجاد می‌شود، انسان‌هایی‌که باید در پهلوی امام قرار می‌گرفتند، نگرفتند و دلیلش هم این بود:

با حیات در زیر سایهٔ نظام استبدادی – هرچند که عمـرش کوتـاه هـم بـود – ذلّت‌زدگی، نفاق، دورویی در میان‌شان حاکم شده بود.

بلی؛ یکی از امراض نظام‌های استبدادی، این است که حتّی چهره‌های مبـارز و شخصیت‌های انقلابی هم تحت تأثیر اوضاعِ فاسِد نظام سیاسی قرار می‌گیرند؛ لذا این تصمیم امام واقعاً تصمیم به‌جای بود که اگر برضد رأسِ اسـتبداد و نظـامِ اسـتبدادی قیام نشود، فرهنگ والا و ناب اسلامی، روحیهٔ مُبارَزه و جِهاد، روحیهٔ عـزّت و قیـام، روحیهٔ دفاع از مظلومین در میان مسلمان‌ها و در میان اقشارِ وارستهٔ مـسلمان‌ها هـم تغییر شکل می‌دهد؛ یعنی فرهنگ تابع قدرت می‌شود و قدرت سایهٔ حاکمیّت خود را بالای ارزش‌های دینی و فرهنگی می‌افگند؛ لذا بـه‌خاطر نجـات بایـد قیـام صـورت بگیرد، اینجاست که می‌بینیم تأثیراتِ آن نظامِ فاسد، بالای مردم کوفه طوری بود که آن‌ها را تغییر داد، تمام آن مردمی‌که باید در پهلوی امام قرار می‌گرفتند؛ امّا یک‌شـبه تغییر شکل دادند و در پهلوی قدرت استبدادی یزید قرار گرفتند؛ زیرا منافع خود را در خطر دیدند.

چنانچه شما هم این وضعیت را در افغانستان عزیز دیده بودید، حتّـی در همیـن اوضاع اخیر، مردمان بسیاری بودند که تعهدات خود را تغییر دادند، تصمیم‌های خود را دوباره عوض کردند، به فکر اینکه ما باید با کسی باشیم که مـا را در قـدرت سـهیم بسازد.

به هرحال؛ منظورم این است کـه در نظام‌هـای استبدادی، حتّـی ارزش‌هـای فرهنگی و چهره‌هایی‌که عناصر مبارز و فرهنگی‌اند، تحت تأثیر استبداد و نظام‌هـای استبدادی قرار می‌گیرند، اینجاست که حضرت امام به‌خاطر تغییر نظام قیـام کردنـد، شکی نیست که قیام حضرت امام منجر بـه شـهادت وجـود نازنین‌شـان و اعـضای اهل‌بیت پیغمبر اکرم – صلی الله علیه وسلم – و منجر بـه شـهادت مجموعـه‌ای از کودکان مظلوم و انسان‌های پاک‌سرشتی شد که خداوند در شأن‌شان می‌فرماید:

(..إنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أهْـلَ الْبَيْـتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)

بلی، این کسانی‌که شست‌وشوی خدایی دیده بودند و این موجودات پاک‌سرشت به‌دست عناصر ناپاک شهید شدند و البته در نتیجهٔ این جنایت، یک‌فاجعـهٔ دردناکـی به‌میان آمد؛ امّا این قیام، نتایج و اثراتِ بزرگِ بعدی خود را داشت که باعث خیزش‌ها و قیام‌های بزرگی در جهان اسلام شد که از آن به‌بعد؛ اگرچه قدرت‌های اسـتبدادی، گاه‌گاهی در مسیر نظام‌ها و سیاست‌مدارها و قدرتمندان جهان اسلام وجود داشتند؛ امّا حلقه‌هایی وجـود داشـت که در برابر استبداد قرار می‌گرفتند و به انواع و اشـکال مختلف – چه در شکل گروه‌های منظم سیاسـی و چـه به‌شکل حلقه‌های فکری و فرهنگی فقهای اسـلامی – مُبارَزهٔ خود را ادامه می‌دادند و می‌دهند، البته ایـن هـم پیداست که این قیام‌ها در برابر استبدادِ یزید، مربوط بـه یک‌گروهی از گروه‌های اسلامی نبود و نیـست، از امـام احمد بن حنبل رحمه الله علیـه رهـبرِ تفکّـر سـلفی و ظاهری که فتوای لعن یزیـد را – به‌خاطری‌کـه عمـل ناروایی را انجام داد – تا امام اعظم رحمه الله علیه کـه رهبر تفکّر عقلانی در فقه اسلامی‌است، همه در حمایت قیام حسینی قـرار گرفتنـد و از ایـن قیـام در مراحـل مختلفی پشتیبانی و حمایت صورت گرفت، به این معنـا که حضرت امام حسین رضی الله عنه رمزِ وحدت وکِفاح و مُبارَزهٔ جهـان مـسلمان شـد، شـیعه و سـنّی، فقیـه، سیاست‌مدار، فیلسوف، جوان، صوفی و همه درسِ قیـام، مُبارَزه و جِهاد را از امام حسین رضی الله عنه گرفتند.

اگر قیام حضرت امام حسین رضـی الله عنـه رمـزِ وحدت و یک‌پارچگی مسلمان‌هاست؛ پس بر ماست کـه از این قیام درس بگیریم و باید این را بدانیم که مذهـب به‌معنای دین نیست، مذهب یک‌طرز تفکّر فقهی فقهای اسلامی‌است؛ امّا اساس و ریشهٔ دین که – رمزی از آن را ما در قیام حضرت امام حسین رضی الله عنه می‌بینیم – همه مذاهب در آن شریک‌اند؛ لذا بایـد مـا وحـدت و هم‌بـستگی خـود را حفـظ کنیـم و در افغانـستان – به‌استثنای عناصر بسیار کوردل و تاریک‌نظر، دیگر همه اهل دو مذهب اعم از شیعه و سنّی – به لطف خداوند – باهم دوست، برادر و پیکرهٔ واحدند.

حضورِ برادران سنّی و شیعه در عاشورای حـسینی، خود از دلایل وحدت و یک‌پارچگی‌است و متأسفانه این پدیده در بسیاری از کشورهای مسلمان وجود ندارد؛ امّـا – به لطف خداوند – در کشور مـا ایـن حقیقـت و ایـن پدیده به‌عنوان یک‌حقیقـت عملـی، بیـان‌گرِ وحـدت و یک‌پارچگی همهٔ ما و شماست.

امروز در حالی‌که ما خاطرهٔ قیامِ بزرگ امام حـسین رضی الله عنه را به یاد می‌آوریم و به روح بـزرگ امـام حسین رضی الله عنه و اهل‌بیت او درود می‌فرستیم، این را هم به‌خاطر می‌آوریم که مـا امـروز – نـیز – شـاهد خاطرهٔ دیگری در کشورمانیم کـه در »شـش جـدی» صورت پذیرفته‌است، البتـه آن خـاطره، همـان تهاجـم خونینی‌است که کربلاهای زیادی را در کشور ما ایجـاد کرد، تهاجم قشون سرخ بود که حریم حاکمیّت ملی مـا را درهم شکست و تعدادی از عناصر وابسته و مـزدوری – در آن دوران – بودند که راه را بـرای هجـوم قـشون سرخ آماده سـاختند و در اثـر ایـن تهـاجم ویرانی‌هـا، آوارگی‌ها، مصیبت‌های زیادی دامن‌گیرِ ملّت و مردم مـا شد که تا امروز آن همه دردها ادامـه دارد؛ امّـا ناگفتـه نگذریم، قسمی‌که بعـد از کـربلای حـسینی، یـک‌نوع احیای مجددی در جهان اسلام ایجاد شد، بعـد از ایـن تهاجم خونین، پدیدهٔ جدیـدی – نـیز – در کـشور مـا به‌میان آمد، آن پدیده عبارت بود از حماسـه و رسـتاخیز بزرگ جِهـادی مـا کـه در کـشورمان بـه‌عنوان یـک «سونامی» ملی، فراگیر شد و بالآخره بـا آغـاز تهاجـم اتحاد شوروی، سرآغاز فروپاشی اتحاد شوروی آغاز شد و تحوّل بزرگی در سطح تاریخ و جغرافیهٔ جهـان بـه‌میان آمد «دیوار برلین» درهم شکست، بـسی از ملّت‌هـای درزنجیر، سرانجام به آزادی رسیدند،

ص۴

د ملګرو ملتونو سازمان نړیواله ورځ او د دغه سازمان اویا کلن عمر ته یوه کتنه

شفیق

د اکتوبر څلېرویشتمه چې د لړم د میاشتې له دویمې نیټې سره برابره ده . د ۱۹۷۱ میلادي کال د اکتوبر میاشتې په یو دېرشمه نیټه د ملګرو ملتونو سازمان د عمومي اسامبلۍ څخه د یو پرېکړه لیک په ترڅ کې په رسمي توګه د ملګرو ملتونو د نړیوالې ورځې په توګه پېژندل شویده. هر کال ورڅخه د لمانځنې په نېت یاد غونډې کیږي.

دغه نړیوال سازمان چې د دویمې نړیوالې جګړې په رامنځته کېدو سره (د ملتونو ټولنې) یعنې پخوانې نړیوال سازمان له منحل کېدو او پنځه کلنې نړیوالې جګړې په پای ته رسیدو سره د نړیوالو د پرله پسې هلو ځلو (لکه د متحدینو د اعلامیې، د اتلانتیک منشور، متحدو ملتونو د اعلامیې، مسکو او تهران کنفرانسونو، د مبارټن اوکس اویالتا کفرانسونو او بالآخره د ۱۹۴۵ میلادي کال د جون په پنځه ویشتمه په سانفرانسسکو کنفراس کې د دغه سازمان د منشور د تصویب) په نتیجه کې رامنځته شوه. د نړیوالو یوه غټه لاسته راوړنه وه؛ ځکه د لومړۍ او دویمې نړیوالو جګړو د تباهیو څخه د عبرت اخستنې په پایله کې د داسې یو سازمان اړتیا وه چې نور د جګړو مخه ونیسي او په نړۍ کې د سولې او امنیت ساتنې عمده دنده یې بنیادې موخه وګرځي او د سولې په وړاندې د موجودو تهدیداتو، سولې ماتولو او پر یو بل هیواد د یرغل مخه ونیسي.

سږکال چې د دغه سازمان اویایمه کلیزه وه او له دی امله د دغه سازمان سرنۍ غونډه د ځانګړې پاملرنې وړ هم وه، چې له یوې خوا د دې سازمان په تاسیس باندې پوره اوه لسیزی تېرې شوې او له بلې خوا نړۍ کې د نا امنیو او جګړو لامله نړۍ د احتمالي دریمې نړیوالې جګړې په درشل کې ولاړه ده؛ ځکه د آسیا په لویه وچه کې د افغانستان، پاکستان، هندوستان، برما، بنګله دیش، سري لنکا، ایران، ازبکستان، تاجکستان هیوادونه دا وخت هر یو د کورنیو جګړو شاهدان دي او یا یې له همسایه هیواد سره کړکېچ په ډېر نازک حالت کې قرار لري؛ لکه د افغانستان او پاکستان ترمینځه او هم د پاکستان او هند تر مینځه نازک حالات.

همدارنګه د اوکراین په سر د روسیې او لویدیځې نړۍ او په سر کې د امریکا کشمکش که څه هم دا مهال د تېرو څو میاشتو راهیسې یو څه کم شویدی خو بیا هم د امریکا او روسیې تر مینځه هره شېبه د جګړې لامل ګرځېداې شي؛ په منځني ختیځ کې د عربي پسرلي په پایله کې د امریکا او د هغې د ځینو ملګرو عربي هیوادونو په ګډو هڅو کله د یو بام دوه هوا سیاست، چې سعودي عربستان او نورو خلیجي هیوادونو کې شاهي رژیمونه منلی شي او هم په مصر کې د دکتور مرسي ولسواکه رژیم په توطیه ړنګولی شي، او بیا په سوریه کې د بشارالاسد د دیکتاتورۍ د ختمولو لپاره د سوریې د ولس له سرتاسري پاڅون څخه سمبولیکه او تش په



نامه ملاتړ کیږي چې د همدغه ناغوځ او په بې زړه توب ولاړ امریکایي دریځ څخه د سوریې سیمه ایز استراتیژیک دوست هیوادونه لکه ایران او لبنان او هم نړیوال استراتیژیک دوست روسیه دغه جګړه د خپلې بقاء جګړه ګڼي، چې د روسیې هوایي بریدونه د دریمې نړیوالې جګړې نږدې آغاز کړیدی او روسیه په لیبیا کې د معمرالقذافي پرخلاف د پاڅون پر مهال د امریکا لخوا د منزوي کېدو او لیبیا کې د لاسوهنو څخه په لېرې ساتل کېدو او هم د اوکراین په کړکیچ کې د امریکا په لاسوهنه دې ته اړ کړه چې لومړی امریکا ته د اوکراین څخه د کریمیا په جلا کولو او اوس مهال په سوریه کې د بمباریو په کولو سره خپل نېش وښایي.

همدارنګه د شمالي او جنوبي کوریاګانو تر مینځه تاؤتریخوالی د شلمې پیړۍ د دغو دواړو زبرځواکو تر مینځه د پټ پټوني لاسوهنې ته لیار خلاصه پرېښې ده.

د ناامنۍ دغه وضعیت چې په ټوله کې د آسیا او افریقا په وچو کې دا مهال موجود دی او په ځانګړې توګه په منځني ختیځ کې د کړکیچ بنیادی لامل د فلسطین تاریخي ربړه ده. چې د کلونو راهیسې د ملګرو ملتونو سازمان څخه د حل کولو انتظار یې کیږي. لاهماغسې دغه کړکیچ پاتې دی؛ چې د اسرائیلو لخوا د فلسطین تاریخی خاوره په ۱۹۴۷ میلادي کال اشغال شوه او په ۱۹۴۸ میلادي کال د ملګرو ملتونو لخوا لومړنۍ پریکړه وشوه چې باید د اسرائیلو او فلسطین په نوم دوه جلا ـ جلا هیوادونه رامینځته شي او په بیت المقدس کې به د امنیت شورا ساتونکی پوځ اوسي مګر اسرائیلو له هماغي ورځې راهیسې د جنګي ښکېلاکګرۍ عزایم پرېښنبوده او د فلسطین د نېول شوې خاورې تر څنګه یې کله له اردن څخه جولان، له لبنان څخه جنوبي لوړې برخې او له مصر څخه د سینا برخه هم ونیوله، چې منځني ختیځ کې په ځانګړې توګه د ټولو نا امنیو او ان تردې چې د سعودي او ایران تر مینځه د سیلقه یې او عقیدوي تاؤتریخوالی لامل هم، همدغه د فلسطین تاریخې ربړه چې سږ کال یې سعودي د یو عربي ایتلاف په مشرۍ سره د ایران سره د یمن په کړکیچ کې سره مخامخ کړل او لاتراوسه د یمن کړکېچ هم، هماغسې تازه دی.

د ملګرو ملتونو څخه هیله کېده چې د خپلو اصولو له مخې هیوادونه د غټوالي او کوچنیوالي پر بنیاد یو پر بل د برلاسی حق ونلري او له دې انګېزې پرته یو بل ته د متقابل احترام او تساوي اصل وساتي، خو دغه اصل تر اوسه د پښو لاندې دی او د هغې یو ثبوت د همدې سازمان امنیت شورا کې د دایمې غړیتوب لرونکو هیوادونو سره د ویټو حق لرل دي، چې تل د نړۍ د کړکیچونو او ستونزو د حل په وړاندې مانع واقع شویدي؛ چې څرګند مثال یې د فلسطین په تاریخې ربړه کې له لسو ځلو څخه زیات د امریکا لخوا د فلسطین د مسلمان او بې دفاع ولس پر خلاف د اسرائیلي جارحیت په ګټه د ویټو حق کارول وو؛ هغه چې د ملتونو او هیوادونو تر مینځه د تساوي د اصل سراسر مخالف عمل دی او ښایې د دغه سازمان د تأسیس په لومړیو کلونو کې د دې لپاره چې نړۍ د دویمې نړیوالې جګړې څخه نوي راوتي فوق العاده حالت څخه نورمال حالت ته را وګرځي، ضرورت به وو خو په یویشتمه پیړۍ کې یې هیڅ اړتیا نشته او بلکې د همدې حق په لرلو سره کله امریکا او کله پخوانې شوروي اتحاد او ورڅخه د مخه انګلستان او فرانسی تر دامهاله په مختلفو وختونو کې نږدی د نړیوالې جګړې د تلفاتو سره نږدې برابر بشري تلفات رامنځته کړي دي، چې د ویتنام، کوریاګانو، کیوبا، افغانستان، پاکستان، هند او د فلسطین په سر د عرب لیګ او اسرائیلو تر مینځه د ۱۹۴۸ او ۱۹۶۷ او ۱۹۷۱ او ۱۹۷۳م کلونو جګړو او هم د مارشال ټیټو د انقلاب په ترځ کې په یوګسلاویا کې تاوتریخوالی او په نوې یمه لسیزه کې یو ځل بیا د بوسنیا، سربیا، کرواتیا ترمینځ کشمکشونو او د لیبیا، مصر، سوریې او یمن وروستیو کسمشکرنو کې انساني او مالي تلفاتو او لا تر اوسه د بوسنیا او سربیا د کړکیچ پرته د ملګرو ملتونو د سازمان په تاریخ کې کومه ملموسه لاسته راوړنه نده لیدل شوې، چې له همدې امله د نړۍ ولسونه دا فکر کوي چې د ملګرو ملتونو دا ډول لاس تر زنې کنبیناستل او د ویټو حق لرونکو هیوادونو لخوا د جنګی جرایمو او په هیوادونو باندې په ښېلا . بېلو پلموسره یرغل کول نور د دغه سازمان افادیت له مینځه وړی دی؛ باید چې د ملګرو ملتونو د سازمان په منشور کې داسې بدلونونه رامنځته شي څو د هیوادونو تر مینځه د تساوي حق وساتي.

او نړیوال دزبرځواکونو له ناروا حاکمیت او برلاسۍ د نشې کولو له پایلو څخه وژغوري؛ د هیوادونو ترمینځه د تساوي د حق اصل، چې د ملګرو ملتونو د اوه ګونو اصولو څخه مهم اصل دی، نن تردې بریده له پامه غورځیدلی دی چې د کوم هیواد مشر چې کله په عمومي اسامبلۍ کې وینا کوي نو شتمن او پیاوړي هیوادونه خو پرېږده ان تر دې چې وروسته پاتې او غریب هیوادونه هم د وینا اوریدلو لپاره په خپلو څوکیو نه لیدل کیږي نو د داسې سازمان افادیت ته به د زبرځواکونو پرته بل کوم هیواد ژمن پاتې شي؟!

حادثهٔ کربلا، یک درس و...

بلی ما می‌بینیم که «اروپای شرقی»، «آسیای‌میانه »و ملّت‌های زیادی بودند که در محکومیت و در ذلّت استعمار و تسلّط اتحاد شوروی قرار داشتند؛ امّا بعد از این تهاجم و به یُمن رستاخیز بزرگ جهادی ملّت مسلمان افغانستان، ما می‌بینیم که این ملّت‌ها امروز کشورهای آزاد و مستقل را تشکیل دادند؛ امّا دریغ و صددریغ که تاهنوز هم در کشور خودمان، جریان قتل و کشتار، خون و آتش، بیچارگی‌ها، مظلومیت‌ها و محرومیت ها ادامه دارد.

ما با یقینی که به این فرمودهٔ خداوند جل جلاله داریم:

(وَلا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غافِلاً عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّما يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبصارُ * مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُؤُسِهِمْ..)

امیدواریم، قسمی که سرنوشت ستمگران تاریخ در گذشته، ناکامی و ذلّت بوده و در هرجای هم، همیش دست های ظلم و ستم به ناکامی روبه‌رو می‌شوند و بالآخره مظلومین و ملّت‌های محروم به آزادی و به عزّت خود می‌رسند، کشور ما هم این مراحل خونین را پشت‌سر بگذارد و بعد از این همه قربانی‌ها و شهادت های فراوانی که دادیم، سرانجام ملّت ما به امنیت سرتاسری برسد، بازهم تأکید می کنم، پیامی را که امام حسین رضی الله عنه با ریختاندنِ خون خود به جهان اسلام الی قیامِ قیامت دادند، ابعاد مختلفی داشته، بلی پیامی بود به خاطر ایجاد دوبارهٔ عزّت و سربلندی در صفوف مسلمان ها و وحدت و یک‌پارچگی‌شان، چنان‌که پیام، بخش‌های سیاسی، عرفانی، معنوی و اجتماعی را در خود – نیز – داشت؛ ولی از همه پیام هایش پیامِ وحدت و یک پارچگی آن در جهان اسلام مهم‌تر بود و ما امروز نه‌تنها در افغانستان؛ بلکه در تمام جهان اسلام، سخت به وحدت و یک‌پارچگی ضرورت داریم.

مسلمان‌ها باید بعد از این به دشمنان اجازه مدهند که کشمکش های خونینی به نام گروه، مذهب، قوم و قبیله به میان بیاید و از این فتنه دشمنان، در مراحل مختلف استفاده هم کرده‌اند و علّت عقب ماندگی مسلمان‌ها هم، بعد از دورهٔ استعمار، همین بود که مسلمان‌ها به اختلافات و کشمکش‌های داخلی مبتلا شدند، اگر ما به وضاحت این را می‌بینیم که عامل عقب ماندگی و مصیبت های بزرگ مسلمان‌ها، اختلاف و نفاق در میان‌شان بوده‌است؛

پس امیدواریم که در روز عاشورا با الهام از پیام وحدت‌زای حسینی، مسلمان‌ها اوّلاً؛ در افغانستان عزیز همه باهم متحد شویم و یک‌پارچه باهم در پهلوی همدیگر قرار بگیریم، و بعد در سطح جهان اسلام، البته این پیام حسین رضی الله عنه ، پیام اسلام است که قرآن‌کریم در مورد آن می‌فرماید:

(وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ)

به امید آن روزی‌که اختلاف‌ها به هرشکل و به هررنگی‌که باشند از میان برداشته شوند.

... در حالی‌که در برابر فساد همهٔ ما باید مُبارَزه کنیم و به‌خاطر اصلاح دست‌به‌دست همدیگر می‌دهیم، در دفاع از وحدت ملی، استقلال سیاسی افغانستان، حفظ عزّت و آبروی ملّت افغانستان، بازسازی کشور، تأمین امنیت در کشور؛ تاجایی‌که به ما ارتباط دارد، از هرگام مثبتی‌که از طرف حکومت به‌خاطر حفظ مصالح ملی، تأمین امنیت، حفظ استقلال، عزّت و آبرومندی کشور برداشته می‌شود، ما از آن در این بخش‌ها حمایت می‌کنیم؛ امّا مبارزات ما به‌خاطر پاک‌سازی فساد، اصلاحات اساسی و بنیادی، از بین‌بردن انحصارطلبی‌ها، مظلومیت‌ها به‌خاطر جلوگیری از بی‌عدالتی‌ها ادامه دارد؛ چون این مُبارَزه یک‌مُبارزهٔ دینی و ملی همهٔ ماست، ما این را از قرآن آموختیم و از پیغمبر خود یاد گرفتیم و هم‌چنان این درسی‌است که قیام عاشورای حسینی برای ما داده‌است.

از این زیاد وقت دوست‌ها را نمی‌گیرم، امیدواریم که با استفاده و با الهام از این قیام بزرگ حضرت امام حسین رضی الله عنه که در یک‌بعد واقعاً یک‌فاجعهٔ دردناکی بود که ضمیر و وجدان هرانسان را سخت تکان می‌دهد؛ امّا در بعد دیگرش این قیام یک‌پیام آزادی بخشی بود، نه‌تنها برای جهان اسلام؛ بلکه برای همهٔ جهان، و ناگفته نماند که قیام حسینی به‌عنوان یک درس نه‌تنها مورد استقبال مسلمان‌ها بوده؛ بلکه چه بسا از مفکّرین غیر مسلمان هم تحت تأثیر قیام حسینی قرار گرفته و از این قیام با کمالِ احترام استقبال می‌کنند و کردند.

أَقُولُ قَوْلِي‌هذا، وَأَسْتَغْفِرُاللهَ لِي وَلَكُمْ، والسَّلامُ عَلَيْكُمْ ورَحْمَةُالله.

یادداشت: برگرفته از کتاب «خط رهبر» جلد سوم، (مجموع سخنرانی‌های ۱۳۸۸ رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی) خطابهٔ سی‌وچهارم.

شام ما - ای مام مقدس ما
آزادی‌ات محتوم است!

محمد فایق هشام

شام ما، این مام مقدس ما امروز به میدان آزمایش سلاح‌های ساخته شدهٔ قدرت‌های بزرگ و منطقه‌یی مبدل شده است.

داخلی: وقتی‌که مردم سوریه برای احقاق حقوق حقهٔشان دست به مظاهره زدند، رژیم ستم‌گر و سرکوب‌گر، علیه این مردم بی‌دفاع و مظلوم دست به ماشه برد و تظاهرات میلیونی را جهت فرونشاندن، سرکوبِ فاحش‌تر از اسرائیل کرد و نتیجتاً مردم تحت حاکمیت خود را به ستوه آورد و آنان جز گزیدن جهاد، راهِ دیگری را انتخاب نکردند؛ زیرا راه‌های دیگر راه‌های ثمر دهنده و راهی‌که منتج به احقاق حق‌شان می‌شد، نیست. در حقیقت رژیم ملعون و منفور بعث مردم ستم‌دیدهٔ سوریه را علیه خودش خیزاند.

رژیم منهوس و مزدور بعث در سوریه که از لحاظ مذهبی تشکیل دهندهٔ ده درصد کل جمعیت سوریه است، در طول تحولات پنج سالهٔ اخیر با وجود فشارها حاضر به کنار رفتن از حاکمیت نیست. اگرچه که اقلیت ناچیزِ در قدرت در رده‌های بالای نظامی منصب‌دار هستند؛ اما نیروی کافی نظامی از میان این فرقه همچنان ناچیز است. به همین دلیل است که بعد از برخورد خشن و ظالمانه علیه تظاهرات کننده‌گان، نظامیان میان‌رتبه و پایین‌رتبه که جدای از این فرقه هستند و از لحاظ مذهبی اکثریت قطعی هشتاد درصد کل جمعیت سوریه هستند از اردو بریدند و برای دفاع از مردم مظلوم و ستم‌دیده شجاعانه ایستادند.

وضعیت چنان شد که گروه‌های دیگری و هم‌چنان مسلمانان از بسا کشورهای اسلامی وارد سوریه شدند بسا گروه‌ها با ترکیب چندملیتی تنها به‌هدف جهاد برضد نظام بعث کمر بستند و شماری از گروه‌های دیگر که جنگ‌جویان شان به‌هدف مقدس وارد معرکه شدند؛ اما در عقب آنان دستان منهوس و شوم قدرت های جهان و متحدان عربش است. داعش یکی از این گروه‌هاست – جنایاتش تیتر درشت خبرگزاری‌ها و رسانه‌های جهان را به‌خود اختصاص داده است.

داعش به‌عنوان اصلی‌ترین و مطلوب‌ترین گروه ضد رژیم بعث است که در حیات در سوریه هم جنگ را برضد گروه‌های اسلامیِ درگیر با دولت آغاز کرد و هم جنگ را برضد هواداران رژیم بعث. جنگ داعش چنانِ هیولای عظیم را بر سر هواداران بعث وارد آورد که در اواسط سال ۲۰۱۵ رژیم بعث از بعضی نقاط عمدهٔ سوریه عقب‌نشینی نمود؛ دلیل عمدهٔ آن همانا قلت نیروی دفاعی و تهاجمی‌ست.

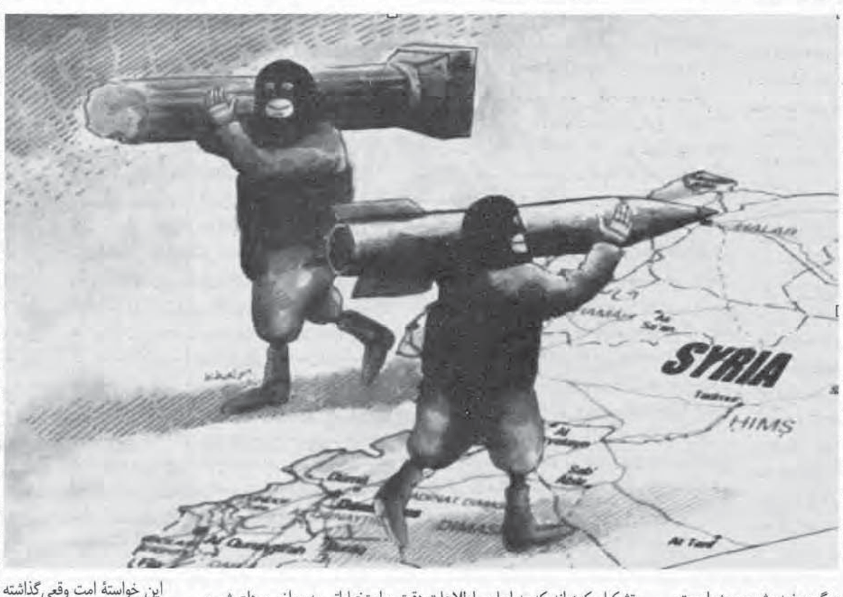
اما ملت سوریه چه بلاهایی که سرشان آمد – تعدادی راه جهاد را گرفتند، تعدادی در مناطق شان گیر ماندند و در اثر ریزاندن بمب‌های بیرلی و خوشه‌یِی مهلک و تباه کننده از سوی نیروی هوایی رژیم بعث، اکنون خاکسترهای شان باقی‌مانده و تعدادی راه مهاجرت را گزیدند که اکنون جمعیت انبوهی از مردم سوریه میزان بالای مهاجران را در اروپا تشکیل می‌دهد و همچنان مهاجران بیشتری از سوریه در کشورهای هم‌سایهٔ سوریه اسکان داده شده‌اند که وضعیت رقت‌باری دارند و در انتظار فتح و ظفر میهن شان از توسط فرزندان‌شان اند تا به خانه‌های مخروبهٔ شان برگردند.

در بُعد بین المللی: در سوریه دو مسألهٔ بزرگ در طول جنگ پنج‌سالهٔ آن کشور به‌میان آمده است: یکی– روس‌ها در بدل اعمال ساحهٔ پرواز ممنوع و حملهٔ هوایی بر رژیم بعث، طرح نابودسازی کُلی سلاح‌های شمیایی را دارند و موانع بعدی را ایجاد نکردند. و دوم: حمله‌های هوایی روسیه بر مواضع داعش و مجاهدان سوریه. که اولی تقریباً به زیان روسیه رژیم بعث و کشورهای حامی این رژیم و به فایدهٔ واشنگتن و متحدان عربش، دومی هم به ضرر واشنگتن و کشورهای متحد عربش و به مفاد روسیه و کشورهای متحد این کشور در خصوص مسألهٔ سوریه.

رژیم بعث سوریه زمانی‌که از عهدهٔ جنگ بر ضد مجاهدان و مبارزان سوری برآمده نتوانست، طرح ورود مثلث جنگی عملی شد (متخصصان نظامی سپاه، جنگجویان حزب‌الله و جنگ‌جویانِ تک مذهبی و چند ملیتیِ اجرت بگیر!). اما وقتی این طرح مؤفق بدر نیامد، طرح ورود جنگیِ مثلث، مبدل به طرح ورود جنگیِ پنج ضلعی گردید (متخصصان نظامی سپاه، جنگجویان حزب‌الله، جنگ‌جویان حوثیِ یمن، جنگ‌جویان رافضی عراق و جنگ‌جویانِ تک مذهبی و چند ملیتیِ اجرت بگیر!).

طرح فوق هم مؤفقیتی را ببار نیاورد. ناچار روس‌ها وارد میدان شدند. روس‌ها با داشتن پایگاه نظامی در سوریه و کشتی‌های نظامی (ناوگان) رژیم بعث را در حیطهٔ بیمهٔ خویش قرار داده است. روس‌ها در اهداف جنگی شان – تمامی گروه‌های جهادی سوری را قرار داده‌اند.

روسیه، ایران، عراق و رژیم بعث یک مرکز هماهنگی استخباراتی را



تشکیل کرده‌اند که به اساس اطلاعات دقیق و استخباراتی به مواضع داعش و سایر گروه‌های جهادی در سوریه حملهٔ هوایی نمایند.

در هدف گیری روس‌ها بر ضد داعش، برای نابودی اینِ گروه می‌توان خُرسند بود؛ اما روس‌ها هر گروه جهادی مسلح سوری را آماج حملات هوایی قرار می‌دهد. اگر این مسأله را بپذیریم مانند سر کشیدن جام زهر و لقمه‌یی مرکب از توته‌های سوزن است که گلو را پاره و منتج به مرگ می‌گردد، وگرنه داعش تهدیدی هم علیه گروه‌های جهادی سوری است هم اهداف امریکایی‌ها و اسرائیل را در سوریه پیاده می‌کند و نتیجتاً خاورمیانه را به مخروبهٔ بیش مبدل می‌سازد.

در گذشته مخالف حملهٔ نظامی امریکا بر رژیم بعث سوریه بودم و بار بار می‌گفتم که »باطل را نباید با باطل زدود؛ بلکه باطل را باید با حق زدود .« حالا هم بر همان موضع خود ایستاده‌ام و هرگز به حملات مغرضانه و ملوث روس‌ها راضی نیستم.

با مطالعهٔ تاریخ درخشان اسلامی‌مان – درمی‌یابیم که هر قدرت و هر کشوری‌که علیه اسلام و مسلمانان قدعلم کرده‌است؛ در حقیقت خودش را به هلاکت گرفتار کرده است و دامی را که برای اسلام و مسلمانان گذاشته‌است، در آن دام خودش گیر مانده‌است. گونه‌های بارز آن را اواخر سدهٔ بیست و آغاز سدهٔ بیست‌ویک می‌توان اشاره کرد.

به قدرت های بزرگ جهانی که برای تأمین منافع خود، اسلام و مسلمانان را نشانه می‌گیرند، ندای من این است که: از تجارب تلخ تان پند و عبرت بگیرید؛ در سوای آن شکست و نابودی همچنان در انتظار هر مهاجمی‌ست.

فضایل شّام در پانزده حدیث صحیح ثابت است و شماری از آن‌ها را نقل می‌نمایم:

۱ـ «وقتی من در خواب بودم، دیدم ستونی از نوشته را که از زیر سرم برداشته شد، من پنداشتم که آن را می‌برند. بناءً عقب آن چشم دوختم تا این‌که به شام برده شد و آگاه باشید که آن ایمان است. آن وقتی‌که فتنه‌ها در شام رونما می‌شود «(جمع الفوائد، ج ۲، ص ۵۹۸)

۲ـ «از زید بن ثابت روایت است که گفت: ما روزی نزد پیامبر صلی‌الله علیه وسلم به‌جمع‌آوری قرآن‌کریم مشغول بودیم، آن‌حضرت صلی‌الله علیه و سلم فرمود: خوش به‌حال شام! من گفتم چرا چنین دعا کردی ای فرستادهٔ خدا صلی‌الله علیه وسلم؟ آن‌حضرت فرمودند: بخاطر این‌که فرشتگان بال‌های خویش را بر آن گسترده‌اند «(جمع الفوائد، ج ۲، ص ۵۹۸ و کتاب جامع الأصول من أحاديث الرسول از ابن اثیر جزری، ج ۱، ص ۲۱۷ و مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۸۹.)

۳ـ « ابن حواله مرفوعاً از پیامبر صلی‌الله علیه وسلم پرسید: طبق فرمودهٔ شما این سه لشکر که در شام یمن و عراق باشد به کدام آن‌ها بپیوندم؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم در جوابِ فرمود: بر توست که به شام بروی زیرا شام بهترین سرزمین‌های خداست که بسوی آن بندگانش را می‌گزیند و فراهم می‌آورد، پس اگر از رفتن بدانجا ابا ورزید، پس بر شماست که یمن را اختیار کنید و آب دهید خود و دواب خود را از غدیرهای خود زیرا خداوند جل جلاله وکیل شده است برای من بشام (بر فضل و کرم خود گرفته است کار مرا در محافظت شام و حفظ اهل آن از شر کافران و استیلای ایشان بر آن دیار) «(سنن الکبری بیهقی، ۹، ۱۷۹ و مسند امام احمد ۵، ۳۳ و جمع الفوائد ۲، ۵۹۸ و جامع الأصول ۱۰، ۲۱۷)

۴ـ « آیا می‌دانید خدای عزوجل چه می‌گوید؟ می‌گوید: ای شام! دست من بالای دست توست. ای شام! تو برگزیدهٔ شهرهای من هستی. در تو بهترین بندگان خود را می درارم. تو شمشیر انتقام و تازیانهٔ شکنجهٔ من هستی. تویی جایگاه نعمت فراوان و بسوی توست محشر) «هیثمی حدیث یاد شده را در دو جای آورده و گفته است که: آن را طبرانی روایت نموده و راویانش همه صحیح اند.)

بزرگ‌ترین شخصیت انصارِ مجاهدان افغان – شهید عبدالله عزام در کتابش »اسلام و آیندهٔ بشریت «در خصوص شام چنین نوشته است: »شام تا کنون حرف آخر خود را در مورد نجات انسانیت نگفته است و تا کنون هم منتظر ایفای این نقش تاریخی خود است تا زمینی را که گندیده و بشریتی را که در مردابِ رذالت فرو افتاده، نجات دهد.«

اکنون بر امتِ پر و بال شکستهٔ اسلامی‌ست که با صداهای بلند خویش ندای مخالفت برضد روس‌ها را سر دهد و کشورهای مغرضِ حامی رژیم بعث را از حمایت این رژیم خون‌خوار و ستمگر برحذر دارد و اگر به این خواستهٔ امت وقعی‌گذاشته نشود؛ آن روز را دور نمی‌بینم آتشی‌که امروز رژیم بعث را می‌سوزاند، دامنهٔ آن به سرزمین‌های حامیان رژیم بعث می‌رسد و و داعش و حامیان داعش هم در آتش خشم شام می‌سوزد.

با توکل به‌پروردگار قوی و مقتدر مجاهدان و مبارزان مؤمن و راستین شام را مورد مدد و نصرت غیبی خویش قرار دهد - آن‌چنان‌که اصحاب کرام رضوان‌الله علیهم را در غزوهٔ بدر و بعضی دیگر غزوات نصرت بخشید. تا برضد نیروهای باطل اعم از: داعش، رژیم بعث و اشغال‌گران زمینی و هوایی، شجاعانه و مبارزانه برزمند.

و این موضوع را با این بند پایان می‌بخشم: ای شام و ای مهد شیرمردان و مبارزان! درنده‌گان وحشی صفت و کفتاران و پست‌فطرتان دندان‌های شان را بر گلویت چسپانده‌اند و هر کدام به‌نوبت خود خونت را می‌مکند، آنان در آتشت هیزم و نفت می‌ریزانند و در صدد نابودی تو اند؛ اما آزادیت را محتوم می‌بینم و إن نشاءالله مردانی چون صلاح‌الدین ایوبی، احمدشاه مسعود، عمر مختار، نورالدین زنگی و دیگر رادمردان مبارز را در کنار مبارزان راستین و مجاهدان جان‌برکف ایثارگر و آن شیران طاغوت‌شکن قرار خواهد داد و ددها و دیوهای ترسو را تار و مار می‌کنند و پرچم توحید را بار دیگر در تو ای شام مقدس به‌اهتزاز درمی‌آورند.

د رحمان بابا پر شعر "اندیزه - سیاسي" شننه؛

اجرالدین اقبال

... چې په نړۍ کې ډېرى چارې د بیا کتنې اړمنې نه دي. له آره انسانانو ته ورسپارل شوې نه ده، چې په اړه يې بيا کتنه وکړي. لکه په نړۍ کې مو د ژمي او اوړي څپرکي منلي. بنا مو پردې ايښې نه ده، چې له پاسه تر لاندې لمريز غونډال بدل کړو، وواېو چې په کوم دليل بايد ځمکه له لمره په دومره واټن کې وي، او تغيير يې کړو، ولې بايد پر ځمکې اوسو، بل ځاى ته ولاړ شو، ولې بايد دا څپرکي وي، عوض يې کړو. ګردو انسانانو منلي، چې بنا نه ده. په دې ځيزونو کې دخالت وکړو.

يو لړ ځيزونه فرض شوي، ټاکل شوي او تقدير شوي نيسو. له يو ځاى روسته وار مو را رسي چې تغيير يې کړو. له تاريخي پلوه بايد په دې پوه شو، چې انسانان يوازې د تاريخ په يوې ځانګړې مقطع کې دې پايلې ته ورسېدل چې هيڅ ځيز ټاکل شوى او تقدير شوى فرضولاى نشو. ټول ځيزونو ته بيا کتنه او نيوکه پرې کړاى نشو او بايد ټول ځيزونه له نوي پيل کړو.

د نړۍ د تغيير په اړه د مارکس خبره

کارل مارکس له فلسفي پلوه يوه هوښياره خبره کړې، چې تل دې وييني ته لاربنود ېداى شي. مارکس د فويرباخ په باب له يولس ګنو آرونو، په يوه کې يې وايي: "فيلسوفانو تر اوسه نړۍ تفسير کړې؛ خو خبره يې د اړونې پر سر ده." دا ډېره ژوره خبره ده او په نظر مې په غوره توګه راښيي، چې بشر نن څنګه فکر کوي او څوک چې ايډيالوژي راوړي، په څه پسې ګرځي. د نړۍ په تفسير قانع نه دى. دا ځکه د نړۍ په تفسير قانع کېدل؛ يعنې د نړۍ په دې وضع قانع کېدل ځان ورکوي، چې د نړۍ ژورو ته ورننوځي او هر ځاى چې لازم وي عوض يې کړي. دا بيخي نه مني چې له آره نړۍ سمه جوړه شوې ده، شونې ده له ښځه کږه جوړه شوې وي؛ نو ځکه اجازه لري چې نړۍ او عالم له ښځه واوړي؛ خو دا چې و نشي کړاى، زور يې و نه رسي؛ نو ځکه خبره د تغيير پر سر ده.

له نړۍ د ديني او بې دينه ايډيالوژي ساز انسان د انځورني توپير

له نړۍ د ديني انسان انځورنه دا ده، چې نړۍ له آره عادلانه پنځول شوې ده، سمه جوړه شوې او انسانانو ته د عالم او هستي مهندسي او مديريت ورسپارل شوى نه دى. له آره بې دينه ايډيالوژي ساز انسان، دغسې فکر نه کوي. دا ګرد عالم ته کږلار جوړوي، له دې انساني نړۍ ته دا تېروتنه ده، چې فکر وکړو په ايډيالوژيو کې يوازې پر انساني نړۍ لګيا کېږي. بيخي دغسې نه ده. کږلار، تر شونې بريده د ګرد عالم هندسي اړونه ده؛ نو هله يې په ترڅ کې د انساني نړۍ اړونه هم منظورېږي. د مارکسېزم بېلګه راولو. د تضاد قصه يې څرګند مثال دى، له پيله خو يې د کارګر او کار فرما لانجه پيل نه کړه. مادي عالم يې په تضاد کې ور ډوب کړ. و يې ويل په اتوم کې له الکترونه او پرتونه نيولې تر د رياضياتو په مشتق او انتيګرال کې يو له بل سره جنګېږي (هغه مثالونه چې مائو راوړي) او .... نو ددې جګړې او تضادونو يوه بېلګه همدا د کارګر او کارفرما دعوا ده. داسې نه وه چې ووايي چې له نورې نړۍ او انسان سره څه کار نه لرو. په ايډيالوژۍ کې هم واقعا دغسې ده. ايډيالوژي د يو بې خدا انسان مرامنامه ده چې له آره د نړۍ او عالم پر غونډال او نظم اعتراض او نيوکه کوي. ګروهن دى چې د نړۍ هيڅ ځاى ټاکل شوى او تمام شوى فرضولاى نشو. انسان تر وسې وسې مجاز دى چې هر څه واړوي او له آره هر څه په بيا کتنې کې رانغاړېداى شي، له دې د انسان تاريخ او ټولنه دا چې مارکس ويل تر اوسه د انسان تاريخ مخکې و او غواړوله اوس روسته د انسان تاريخ پيل کړو، مطلب يې همدا و، او د نورو ډېرى خبرې. دا هماغه انديزه جرړه ده، چې بشري ايډيالوژي جوړوي.

ايډيالوژي او تحزب د يو بل لازم و ملزوم دي

ايډيالوژي هم له تحزب سره يو ځانګړى تړاو لري؛ يعنې له آره حزب (ګوند) ايډيالوژي لري او ايډيالوژي بې حزبه کېداى نشي. دا دواړه د يو بل لازم او ملزوم دي او په همدې دليل هم ايډيالوژي تل په عمل او سياسي مصلحت پورې اړوند ده؛ يعنې ايډيالوژي ساز ولاى نشئ، چې دې دواړو اړخونو ړومبيتوب پکې پيدا کړى نه وي، او نورې چارې په ځان پسې را نه کاږي. په دې ترڅ کې ايډيالوژي په دې دليل چې په عمل او سياسي مصلحت پورې اړوند ده او په دې پار چې له يوه ګوند او تحزب سره ځانګړى تړاو لري؛ نو ړومبى نور [له ګونده دباندې] بهرني شمېرې او دويم د قضاوت پر وخت، آرمانونه او د ګوند پايښتي آرونه په لومړۍ درجه اهميت ورته لري. په روستيو سلو کلونو کې چې ايډيالوژۍ پرېمانه دود شوي، دا مساله پکې په څرګنده وينو. او د ايډيالوژۍ د



لارويانو په منځ کې دا ډول کړ چارې او څوبتياوې فوق العاده ښکاره دي. ايډيالوژۍ په دې پار چې په عمل پورې اړوند ده هرومرو بايد ساده مفاهيم ولري. دا هډونه کېږي چې وګړي د عمل پر وخت پر دوه لارې يا څو لارې ودروئ. څو اړخيزه خبرې ورته وکړئ، چې بالاخره پوه نشي څه کار بايد وکړي. بايد څرګند فرمان ورکړئ، چې بايد دغسې وکړئ او دغسې و نه کړئ. له نورو سره بريدا او پوله مو په دې ټکي کې ده. له دې ځايه له نورو بېلېږو او خپله ټاکنه، تعين او تشخص پيدا کوو.

ايډيالوژي د هر اړخيز توب دعوا لري

ايډيالوژۍ ځان ته د جامعيت او هر اړخيز والي دعوا هم لري. کله هم داسې نه ده چې ووايي يو ټکى را نه پاتې دى او يا په کومه برخه کې څه خبره نه لرو. اديان دغسې نه دي او که نن يې څوک له اړخ دغسې څه دعوا لري په ځان پورې يې ور اړوند ده نه په اديانو پورې. له دينه د هنر، تخنيک، علم، فلسفې او ..... را ايستل د نويو او مدرنو ايډيالوژي اندو يو هوس دى نه د متواضع دينوالو ادعا او غوښتنه. بل خپلو لارويانو ته تلقينوي چې له موږ بهر بل ځيز ته اړتيا نه لرئ، اړتياوې مو در پوره کوو، او په همدې پار د هر اړخيزتوب او جامعيت دعوا هم لري. که په ايډيالوژۍ کې دا ځانګړني ومنو؛ نو په دې حال کې انګېرم چې په دې تعبير، دين هډو ايډيالوژيک کېدونى نه دى. ماپه يو لړ نورو وييټو کې هم دې ټکي ته اشاره کړې، په ديني معرفت کې د حيرت او هېښتيا مهمه او عمده ځانګړنه شته چې مشرانو مو هم بربنډې اشارې ورته کړې، چې له ايډيالوژۍ سره راټولېدونې نه دي. حيرت له ايډيالوژۍ سره مطلوب هم نه دى، په دې پار چې ايډيالوژي لنډمهالې وي او تر څه وخت روسته، چې خپل کار يې وکړ، له کړۍ وځي؛ چې خپله ونډه يې ترسره کړه؛ نو بل کار نه لري او بايد پر ځاى يې بله ايډيالوژي کېني.

دين که وغواړي ايډيالوژي شي، په واقع کې د خپل لنډمهال توب فتوا يې ورکړې ده او له خپل تلپاتېينې يې لاس مينځلى دى. يو دين هم دغسې فرض نه لري او نه يې مني. د اديانو يو لاروى هم، خپل دين ته دغسې نه ويني؛ بلکې يو ناپايه زېرمه يې بولي چې تل يې د ژوند ښوونکى او د کړو وړو لاښود وي"

له دې علمي وييني پند اخلو چې نبايد د خپلو موخو تر سره کولو لپاره له دينه د خپل قامت هومره جامې کړو، داسې شعارونه ترې وټاکو چې د دين په نامې خپلو مطلوبو موخو ته ورسوو. څه چې په هېواد کې تېرېږي، د ايډيالوژي سازۍ يوه بېلګه ده او هېواد يې په سرو وينو کې ليت پيت کړى، او دا کوم شنونکى يې چې په اړه شننې کوې دايې يوازې يو سياسي اړخ دى، يوازې په فرهنګي وېښتيا ددې ايډيالوژي سازۍ د پايلو او د چارواکو او ولس په ټينګ هوډ يې د کړنو مخه ډپولاى شو. دغسې ځينې له دموکراسۍ په نامسو انګېرنو يا په لوى لاس، د فرهنګي يرغل د پينځمې ستنې په توګه هم له رسنيو او هم په نورو برخو کې داسې چارې ترسره کوي، چې د اسلامي جمهوريت دولت د ولسواکۍ له برخې يې ځان ته يوه پلمه، ايډيالوژي او وزله جوړه کړي، فحشا خپروي، د غير ملي او غير ديني اخلاقو خپرولو ته يې ملاتړلې ده، چې همدغه چارې د دولت مخالفينو ته لاسوند شوي او د جګړې د تنور تودولو لپاره ورته سونګ توکي شوي دي، پر چارواکيو لازمه ده، چې مخه يې ونيسي، که نه داسې به و انګېرل شي چې دوى او له دولت دباندې جګړمارن يوې موخې ته کار کوى او په دې منځو حال کې ملت د جګړو په تنور کې سوځي بيا نو ملت دى چې څنګه له دې دننې او بهرني کړاوه ځان وژغورې؛ ځکه د ولس زور د خداى زور دى او تل يد الله مع الجمعه، د خداى لاس له ولس سره دى. او ولس به خپلو رايو او فرهنګي وېښتيا د اساسي قانون په چوکاټ کې په راتلونکيو ټاکنو کې ددې مشرانو پر وړاندې د "نه" دريځ ونيسي او هغه به وټاکي چې د دوى د ارمانونو پلي کوونکي وي.

رسانه ها و ...

اینست تا مسایل پیچیده را ساده و عام فهم به خورد مردم بدهند و در استحالهٔ ساده سازی، استعمار و تجاوز برائت بگیرد.

در کشور ما نیز وضع اکثریت رسانه ها چنین است. گاهی در تخریب طرف مقابل آنقدر جلو می روند که هر باطلی که به منظور کوبیدن طرف مقابل کارآمد باشد، مشروع تلقی می شود بدون اینکه به تاثیرات منفی آن که ممکن است تا دور دست ها موج منفی بیافریند، توجه صورت گیرد.

در موج عظیم از مهاجرت بسوی اروپا تعداد کثیری از افغان ها هم شامل اند. هر روز خبر از غرق شدن تعدادی از این دل به دریا زده گان می رسد اما این هجوم همچنان ادامه دارد.

چند روز قبل دوستی را ملاقات کردم که دار و ندار حاصل یک عمر را فروخته و بار سفر بسته بود تا خود و خانواده اش را به اروپا برساند. من هرچند در رابطه با وی در برابر کاری انجام شده قرار داشتم و قافیه برای نصیحت وی تنگ بود، فقط از وی پرسیدم که چگونه با چنین سرعت تصمیم به رفتن گرفته است. جوابش مرا سخت به فکر فرو برد و متوجه شدم که رسانه ها تا کدام حد می توانند افکار ساده اندیشان را اغفال کنند، در فرو ریختن باور ها مهم باشند و حتی جان ها را به خطر اندازند.

او گفت: مگر نشنیدی که در کندز چه واقع شد؟ مقامات محلی با طالبان معامله کردند و پول گرفتند. آنها کندز را به طالبان فروختند و خود رفتند و طالبان هم به ناموس مردم تجاوز کردند. در این کشور همه چیز در معرض فروش است و من ترجیح می دهم که با خانوادهٔ خود در دریا غرق شوم اما چنین روز را نبینم. جایی که درآن ناموس من مصئون نباشد، وطن من نیست.

من گفتم که بخش بزرگی از این اخبار شایعه است اما وی که سخت ناراحت بود گفت: تلویزیون ها دروغ نمی گویند من خودم شنیدم که با مردم مصاحبه کردند و کمیسیون حقوق بشر هم اعلامیه صادر کرد و تائید کرد که چنین کار ها صورت گرفته است. وکلا در پارلمان در مورد معاملهٔ پنهان که به سقوط کندز منجر شد، حرف زدند.

رهبران این کشور همه چیز را در برابر پول می فروشند. فردا که از خواب بیدار می شوی می بینی که کابل هم فروخته شده و طالبان بر شهر مسلط شده اند! آیا ... بعید می دانی؟

من گفتم که مقامات دولتی کندز را نفروختند، بلکه این شکست دلایل دیگری داشت. اما او که عقده گلویش را می فشرد گفت: طالب این قدرت را از کجا کرد که بیاید یک شهر بزرگ را بگیرد؟ این معامله بود برادر! مگر نشنیدی که وکلای پارلمان هم گفتند که مقامات دولتی از کابل دستور داده بودند تا مقاومت صورت نگیرد؟

دیدم که اصرار بی فایده است و برایش تقاضای سفری بی خطر نمودم در حالیکه هم من و هم خودش می دانستیم که سفری پر خطر در پیش دارد که هر قدمش با مرگ توام است اما چه می توان کرد؟ برای او تبلیغات رسانه ها حجت بود!

انتخابات دور اول پارلمانی در مصر

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

انتخابات دور اول پارلمانی در مصر در روز های یکشنبه و دوشنبه (۱۸ و ۱۹اکتوبر) در مصر بر گزار گردید و قرار است دور دوم این انتخابات به روز های ۲۲ـ ۲۳ نومبر برگزار گردد. به گفتهٔ رسانه های بین المللی این انتخابات از شور و حال چندانی برخورد دار نبود و بدون حضور پر رنگ مخالفان حکومت برگزار گردید.



مخالفان و موافقان این انتخابات با صدور فتوا های دینی در برابر این انتخابات صف کشیدند. این انتخابات پس از سقوط محمد مرسی در سال ۲۰۱۲م برگزار می گردد و در این دوره ۴۷۰۰ صد شعبهٔ رای گیری در شهر های قاهره، اسکندریه و جیزه برگزار گردیده بود.

در این انتخابات جنبش اخوان المسلمین که سه سال قبل در انتخابات پارلمانی پیروز شده بود، حضور ندارد و نظر به مفاد قانون جدید مصر این حزب از تمام فعالیت های سیاسی محروم گردیده است. این احتمال وجود دارد که اکثریت اعضای جدید پارلمان از هوا داران رئیس جمهور بوده باشد.

حکومت مصر این انتخابات را به مثابهٔ گذار به دموکراسی در مصر عنوان نموده است. این انتخابات که از سوی حامیان سیسی در یک ائتلاف تحت نام "فی حب مصر" برگزار گردید، حامیان رئیس جمهور ۶۰ کرسی را در دور اول به دست آورده است. بر اساس نتایج اولیه این ائتلاف حامیان سیسی در صعید، دلتا و جیزه پیروز گردیده و نتیجهٔ این دور انتخابات به روز پنجشنبه اعلام خواهد گردید.

طرفداران سیسی شرکت در این انتخابات را یک واجب شرعی پنداشتند؛ در حالی که مخالفان آنها شرکت در آن را گناه نا بخشودنی خواندند. گفته شده است که کمیتهٔ عالی برگزاری انتخابات جلو نامزدی بسیاری را گرفته است. بسیاری باور داشتند که شاید سیسی در این انتخابات از خود نرمش نشان دهد و مخالفان را تشویق به شرکت در این انتخابات نماید، اما قضیه برعکس برملا گردید. اکنون این احتمال وجود دارد که نتیجهٔ این انتخابات به فصل جدید از نا آرامی و درگیری ها در مصر منجر گردد؛ زیرا این انتخابات در زیر چتر دولت به نمایش گذاشته شد و مخالفان نظام نتوانستند در آن به رقابت بپردازند.

طرفداران سیسی از چهره های دینی طرفدار خویش کمک خواستند تا از طریق فتوا های دینی مردم را تشویق به شرکت در این انتخابات نمایند، چیزی که حسنی مبارک نیز بدان متوسل می گردید. دارالفتوای مصر با صدور بیانیه یی فتوا های را که دعوت به تحریم انتخابات می نماید، را محکوم کرد. شوقی علام یکی از مفتیان مصری فتوا های صادر شده از سوی طرفداران تحریم انتخابات را سیاسی خواند و گفت (آنهایی که می خواهند از متون احکام دینی برای اغراض خاص سیاسی استفاده کنند، در حقیقت آنها نمی خواهند خیر و ثبات به مصر حاکم گردد).

خالف خلیف یکی از علمای الازهر و عضو جبههٔ علمای جمعیت شرعی وابسته به اخوان المسلمین با صدور فتوا، تحریم این انتخابات را صادر کرد و این جنگ کلامی را در مصر شعله ور ساخت. وی در این فتوای خویش گفته است (هر کس در این انتخابات شرکت کند، در حقیقت غصب حکومت را به رسمیت شناخته و به جمع صفوف ستم گران پیوسته است، که این کار حرام است).

در طرف مقابل شیخ عبدالنجار عضو مجمع پژوهش های اسلامی فتوای جنجالی دیگری صادر کرد و گفت (نماینده گی در پارلمان واجب شرعی است و وجوب آن کمتر از نماز نیست و هر کس به این واجب عمل نکند، در حقیقت نماز واجب خود را ترک کرده است). از سال ۲۰۰۱ م در مصر یک چنین فتوا های وجود داشته است، در برابر یک فتوا چند فتوا دیگر صادر می شود که همه رنگ سیاسی دارد.

امروز طرفداران سیسی مخالفان خود را نشانه گرفته و شعار می دهند که رای دادن یک حرکت مدنی است که باید مردم از این حق خود استفاده کنند و نباید به آن رنگ و بوی دینی داده شود. این فتوا ها در حقیقت از یک جدال عمیق در مصر نماینده گی می کند که روزی شعله های آن، این کشور را به آشوب خواهد کشانید.

آنچه تا اکنون در این کشور از اعتبار خوبی برخورد دار بوده است، ارتش مصر است و این ارتش است که در شرایط اساس و نا هنجار تصمیم می گیرد، تا جلو آشوب گرفته شود. این ارتش پس از کودتای افسران آزاد به رهبری جمال عبدالناصر و کار کرد های آن در جنگ عرب و اسرائیل وجهه ملی و دینی برای خود پیدا کرد و از پس تا اکنون نماد قدرت در مصر محسوب می شود و این ارتش بود که دست مرسی را از اریکهٔ قدرت دور کرد، حتا جریان های اخوان المسلمین این حرکت ارتش را تحمل نمودند.

د زراعتي توکو توليدي کارخانې له دولته مرسته غواړي!

عبدالقيوم ريحان

په دې وروستيو کې په ننګرهار کې يو شمير خصوصي کارخاني په مختلفو برخو کې په فعاليت بوختې دي د دغې کارخانو د مسولينو پروينا، دوي له ګڼو ستونزو سره سره بياهم خپلو فعاليتونو ته دوام ورکوي او خپلو هيوادوالو ته ګڼ خوراکي توکي توليدوي

په ننګرهار کې بزګران وايي چې دوې سږ کال د کوکنارو پرځای په خپلو ځمکو کې سبزيجا، ميوه جات او غله جات کرلي، دوي وايي دا چې د ټولو بزګرانو حاصل په يوه وخت رسيږي او ترڅنګ يې داسې مناسبې شنې خونې هم نشته چې د غه حاصل په کې ذخيره کړي چې کله ورته اړتيا شي ترې استفاده وشي. نو همدا ده چې ترلاسه شوی حاصل خپل ارزښت له لاسه ورکوي او خرابيږي

بزګران له دولته غوښتنه کوي چې په کور دننه دې داسې کارخانې فعالعه کړي چې د دوې په توليد شوي حاصل پروسس (کار) وکړي او هغه په بل ډول خپلو هيوادوالو ته وړاندې کړي

دوې وايي چې په اوس وخت کې رومي بانجان، تور بانجان او سره مرچک ډير دي نو دولت دې له هغه کارخانو سره د ې د دې موادو په راټولو او رانيولو کې مرسته وکړي چې له دې سبزيانو روب، اچار، کيچپ او نور ډول ډول پروسس شوي مواد جوړ او هيوادوالو ته يې وړاندې کړي

د ننګرهار ولايت د بهسودو ولسوالی يو تن بزګر، خان محمد وايي (موږ په خپلو ځمکو کې ډول ډول سبزيجات کرلي چې دا سبزيجات ډير حاصل لري، که چيرې دولت دا سې زمينه برابره کړي ترڅو موږ په کې دا سبزيجات وساتو يا داسې کارخاني يا شرکتونه جوړ کړي چې دا سبزيجات لکه د روميانو څخه روب جوړ کړي او داسې نور هره سبزې له کار لاندې ونيسي او ګټه ورڅخه واخلي نو موږ به له هر ډول ګټو سره مخ شو)

د ده په خبره که چيرې دولت بزګرانو او په کور د ننه د دې برخې توليدي شرکتونو او کارخانو سره پوره همکاري او مرسته وکړي نو له يوې خوا به هيوادوالو ته خدمت شوی وي او ورو سره به د بزګرانو د ژوند سطحه هم لوړه شي. سربيره پردې هغه سبزيجات چې نور هيوادونو ته له افغانستانه وړل کيږي هغه به هم په خپل هيواد کې په مصرف ورسيږي او هيواد وال به ورڅخه په يوه نه يوه ډول استفاده وکړي

دا مهال په ننګرهار کې په ځينو برخو کې ګڼ توليدي شرکتونه او کارخاني موجودې دي، چې يو شمير په همدې برخه کې کار کوي تر څو د موسم سره سمې سبزيانې او ميوې تر پروسس لاندې ونيسي هغه په نورو ډولونو بازار ته عرضه کړي، چې تر ډيره پورې يې خلک له عرضه شوو توکو څخه خوښ بريښي او د زياتيدو غوښتنه يې کوي. د غه ډله خلک وايي چې بايد د غه شرکتونه دکار په وخت کې پاکوالي ته پوره پاملرنه وکړي ترڅو خلکو ته باکيفيته له سبزيو او ميوو څخه جوړ شوي توکي وړاندې کړي

په ننګرهار کې دنورو توليدي شرکتونو ترڅنګ د ګفت توليدي شرکت هم په دې برخه کې کار کوي. د دې شرکت مسولين وايي که چيرې دولت او نورې خيره موسسې ورسره په کارونو کې مرسته او همکاري وکړي کولای شي، چې خپلو هيوادوالو ته لا ښه خدمت وکړي، دوې زياتوي که چيرې په هيواد کې دې برخې ته اړونده مسولين پاملرنه وکړي يو خو به د دزراعتي محصولاتو د ضعايه کيدو مخه ونيول شي له بلې خوا به په کور دننه به بې روزګاره وګړو ته د کار زمينه برا بره شي.

د ګفت توليدي شرکت مسول شيرمحمد وايي: (له موږ سره په شرکت کې ګڼ ځوانان کار کوي. موږ لومړی له بزګرانو څخه سبزيجات او ميوې لکه روميان، ګلپيان، ګازرې، مرچک، منې، مالټې او داسې نور راټولو او بيا د مختلفو ماشينونو پواسطه تر کار لاندې نيسو چې ورڅخه اچار، رب، مربع، کيچپ، شربت، او داسې نورتوکي جوړو. توليد شوي توکې د بسته بندې څخه وروسته بازار ته عرضه کوو، دا يوازې ننګرهار نه بلکې کابل، کونړ او لغمان ته هم استوو)

دی په دې برخه کې د دولت د مرستې غوښتنه کوي دی وايي که چيرې د دولت مرسته له موږ سره وي موږ ډير توکې توليدولی شو.

ځينې د زراعت ماهرين وايي که چيرې دولت د غسې کارخانې فعاله کړي او له شته کارخانو سره مرسته وکړي، چې د هيواد له مختلفو سيمو څخه توليد شوي سبزيجات او ميوه جات وپيري او هغه له پروسس لاندې ونيسي او بيا يې بازار ته عرضه کړي نو شونې ده چې د هقانانو ته به هم ګټه ورسيږي، د دې تر څنګ ډيرو بې روزګارو هيوادوالو ته به په کې د کار زمينه برابره شي او د هيواد ملي اقتصاد په ښه کيدو کې به هم زياته ونډه ولري

انجنير شريف الله دولتزی همدا ټکی په دې ډول بيانوي: (په يو هيواد کې د زراعتي او حيواني محصولاتو له پاره د پروسيس کارخانې ډيرې مهمې دی، که چيرته په عصري وسايلو سمبالې دپروسيس کارخانې لرو تر ډير وخته زراعتي او حيواني محصولات ساتلې او په نورو ډولونو يې هيوادوالو ته وړاندې کولی شو)

د ويلو ده چې سږ کال دننګرهار ولايت د ګڼو سيمو د بزګرانو له لورې سبزيجات، ميوجات او غله جات کرل شوي که چيرته دولت ورته پاملرنه وکړي، په ښه ډول وساتل شي او په ښه ډول ترې استفاده وشي نه يوازې داچې په کور د ننه به د ډيرو هيوادوالو ستونزې حل شي بلکې ځينو ګاونديو هيوادونو ته به هم صادر کړی شي چې په دې سره به د هيوا د اقتصاد پياوړی شي.

فلسطنيان ولې دومره خطرناکه جګړه ...

جوړولو پروسه روانه ده او تېر کال په غزه باندې د اسرائيلو د يرغل پر مهال چې دوه زره او دوسوه فلسطيني مسلمانان شهيدان شو. قاطع اکثريت يې ملکي وګړي، کوچنيان، ښځې او بوډاګان وو او غزه يې په کنډواله بدله کړه؛ پداسې حال کې د فلسطين مسلمانانو لخوا اسرائيلو ته په اوښتو ۷۱ تنو تلفاتو کې يواځې پنځه تنه ملکي وګړي او نور ټول اسرائيلي عسکر وو. نړيوالو يو ځل بيا د نړيوالو جګړه ايزو اصولو څخه د اسرائيلو سرغړاوی وکاته او دوې نړۍ ته وشرميدل، نو د خپل عادت سره سم يې اوس مهال پداسې مغرضانه کړنو لاس پورې کړی چې کله يې يو وزير بيت المقدس ښار کې د اقصی جومات ته د اسرائيلي عسکرو سره مل ننوځي، کوم کار چې د ملګرو ملتونو د پريکړې مخالف عمل دی؛ څکه د اقصی جومات ته د نظامي کسانو او دولتي مسوولينو ننوتل منع دي او کله بيا هيڅ فلسطيني ته د لمانځه لپاره د ورتګ اجازه نه ورکوي، کوم کار چې په بيت المقدس کې دننه فلسيطنان دې ته اړ کړي چې نور په لاس او سپيره او کله نا کله هم د چاقو په کارولو سره يهودان لدې خپلو شومو اهدافو لاسته راوړلو لپاره وډاروي

چې په همدې لړ کې يې دوه اونۍ مخکې يوې فلسطيني ښځې يو اسرائيلي پوځي په چاقو وهلی وو او هم يو بل فلسطين ځوان ورته عمل ترسره کړی وو، چې وروسته بيا د اسرائيلو عسکرو لخوا ښځه ټپي او فلسطيني ځوان شهيد کړای شوی وو. او يو ځل بيا دري اسرائيليان ووژل شو او څو تنه ټپيان شو، د فلسطيني مسلمانانو دغه اقدامات د دې لپاره دی چې له يوې خوا اسرائيلي ښکيلاکګر د اقصی جومات تقدس پايمال نکړي او له بلې خوا په فلسطين کې د يهودانو لپاره د نوو آباديو جوړولو هغه سلسله ودروي، چې د بالفور له تړون راهيسې يې تر دا مهاله د خپلې ښکيلاکګرۍ ۲ سلنه خاوره نن تر نږدې اتيا سلنې پورې رسولی ده (البته د بيت المقدس څخه پرته) او ورځ تر بلې د يهودو د نفوسو تناسب د فلسطينانو په وړاندې زياتيږي

د امريکا د بهرنيو چارو وزير جان کيري چې يو ځل بيا دغې سيمې د تګ هوډ کړی او وېره ده چې دغه دا ځل بيا د مسلمانانو لپاره څه غم کړي، بايد پدې پوهه شي چې د فلسطين تاريخي ربړه په ملګرو ملتونو کې د ناظر عضويت په لرلو سره (چې بيه يې هم ډيره لوړه وه؛ څکه د واتيکان په نوم د عسيايت مرکز هغه هيواد چې د يوې ولسوالی هومره مساحت لري ورسره يو ځل دا ډول غړيتوب پيدا کړی) نه حل کيږي، تر څو چې غاصب اسرائيل د سوک په زور د خپلې ښکيلاکګرۍ له نشي څخه راونه ګرځي، ورنه د منځني ختيځ بل شوی اور لويديځې نړۍ ته هم غځيدلی شي.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا و اندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا و مواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست.

دور ششم –سال چهاردهم – شمارهٔ بیست و نهم ۳ عقرب ۱۳۹۴ ۱۱ محرم الحرام ۱۴۳۷ 25 October 2015

فلسطنيان ولې دومره خطرناکه جګړه پر ځانونو مني؟

لامل يې څه دي؟



● شفيق

د فلسطين تاريخي عربي هيواد چې د پيغمبرانو تاتوبى ورته ويلى شوا او د مسلمانانو لومړى قبله د (اقصى جومات) پکې موقعيت لري ، يوازې د فلسطيني ولس ربړه نده؛ د همدغو دوه وو حقيقتونو په لړلو سره دغه ستونزه د ګرد اسلامي امت ستونزه ده او پکې ښکېلاکګر قوت يهودان د تاريخ په اوږدو کې هغه لجوج قوم پاتې شوې دى چې د شعب الله المختار (معاذالله، دا چې مونږ دالله اولاد يو او په نورو د حاکميت حق لرو) د اروپا يې فاشيزم

څخه لا پېړى د مخه د فاشيستي فکر لرونکي دي او که پر وړاندې يې د فلسيطني غيرتي ولس مقاومت نه اوسي نو پاتې غربي خاروې يې د ورځو او نوزه نړى يې په کال کې خېتې ته لوئيدلى شي.

د (بالفور) له ترون څخه د مخه (هغه چې په ۱۹۱۷ ميلادي کال د انګليسي ښکيلاکګر لخوا يهودو ته د يو ځانګړې هيواد د سپارلو د ژمنتيا ترون ورته ويلې شي) په فلسطين کې د ۲۴۴ زرو فلسطينانو په مقابل کې يوازې ۵۲ زرو يهودانو ژوند کاوه، چې د ۹۲ په وړاندې د اته سلنې نفوس لرونکي وو او يوازې دوه

سلنه خاوره ورسره په واک کې وه او په ۱۹۴۷ ميلادي کال کې د يهودو لخوا د اشغال پرمهال، چې کله ملګرو ملتونو په (۲۹/۱۱/۱۹۴۷) نېټه د اسرائيلو او فلسطين په نومونو د دوه وو جلا - جلا رياستونو پريکړه کوله نو له مخې يې ورته ۵۴ سلنه خاوره ورکړاې شوه؛ پداسې حال کې چې دغه مهال د څه پاسه دوه مليونو فلسطينانو په مقابل کې د يهودو شمېر ۲۵ زره وه؛ يعنې د فلسطينيانو د ۶۹ سلنه نفوس په وړاندې يې ۳۱ سلنه نفوس وو. او بيا د ۱۹۴۸ کال په جګړه کې د انګليسي ښکېلاکګر ځواک په ملاتړ اسرائيلو خپل هيواد په ۱۵/۵/۱۹۴۸ کې اعلان کړ او عربي هيوادونو دغه جګړه وبايلله، نو په پايله کې بې يهودانو ۷۷ سلنه خاوره ونيوله او د ۱۹۶۷ ميلادي کال په جګړه کې چې اسرائيلو د فلسطين پاتې سيمې هم د اردن دجولان او د مصر د سينا تر برخو ونيولې نو ځلور برابره بې زياته برخه لاندې کړه چې دا مهال يې د اويا سلنه په مقابل کې ۳۰ سلنه نفوس وو، نو ورسره سم يې د يهودانو فلسطين ته د راکوچېدلو پروژه د شوروي اتحاد ، فرانسي، انګل‌ی‌ستان او بالاخر تر دامهاله د امريکا په ملاتړ جارې وساتله او بيا په ۱۹۸۲ کال کې يې له لبنان څخه غرنۍ لوړې سيمې هم ونيولى چې وروسته په ۱۹۸۲ کال د کامپ ديويد د ترون له مخې يې سينا پرېښوده او له لبنان څخه نيول شوې سيمو کې ورسره د لسو څخه تر شلو کيلومترو پورې ساحه له ځانه سره وساتله خو د اوسلو ننګينې معاهده چې په ۱۹۹۳م کې ترسره شوه او د حسني مبارک، حافظ الاسد او ملک حسين د اولادونو لپاره به تاريخي عار اوسي، فلسطينانو ته يوازې ۱۵ سلنه خاوره (چې غزه او اريحا نوميږي) ورکړل شوه او تر دامهاله په فلسطين کې نږدې اته مليونه وګړي ژوند کوي، چې يهود يې د فلسطينانو نږدې دوه برابرو ته رسيدلي دى او همداسې د فلسطين په ختيځه برخه کې د بيت المقدس لويديځ او ختيځ دواړو خواو ته د يهودانو لپاره د نوو آباديو

۷مخ

نیم نگاهی به مقرری‌ها و ترفیعات در وزارت دفاع‌ملی

□ عنایت

در این اواخر، مقرری های و ترفیعات تازه در وزارت دفاع ملی صورت گرفته است. به گفتهٔ مقامات در وزارت دفاع ملی، این مقرری ها و ترفیعات به منظور سپردن کار به اهلش و تشویق مرفعین انجام شده است. اما خیلی ها بدین باور هستند که مقرری ها و ترفیعات جدید بیشتر با رعایت سلیقه بازی ها و روابط شخصی صورت گرفته است.

مقرری های جدید در وزارت دفاع ملی، در حالی صورت می گیرد که افغانستان در بدترین شرایط امنیتی قرار دارد. تشدید حملات دشمنان افغانستان، در برخی ولایت ها به ویژه شمال و شمال شرق نگرانی های جدی را به بار آورده است. در حالیکه نیروهای امنیتی مصمم اند، در برابر دشمنان مردم افغانستان دلیرانه برزمند، اما به باور خیلی ها ارادهٔ قاطع در سطح رهبری حکومت وحدت ملی، برای سرکوب مخالفان مسلح وجود ندارد. رخداد های قندز، بدخشان، بغلان و فاریاب نشان می دهد که حکومت نتوانسته، نقاط قوت و ضعف دشمنان را شناسایی و مطابق به آن، برنامهٔ عملیاتی و راهبردی داشته باشد. بازی با ارادهٔ مردم و ادای خیمهٔ شب بازی ها به دشمنان مردم افغانستان جرئت بیشتر داده است، تا هر کاری که دل شان خواست انجام بدهند.

برخوردهای مسلحانه در حالی با گذشت هر روز افزایش می یابد که وزارت دفاع (وزارت جنگ) هنوز وزیر ندارد و توسط سرپرست اداره می شود. این سرپرست به حدی نزد رئیس جمهور محبوب است که گویا فاتح جنگ دوم جهانی باشد! در حالیکه این سرپرست به ادبیات و ترمینالوژی جنگ و صلح آشنا نیست، رئیس جمهور غنی از او، فیلد مارشال ساخته و همواره در سخنرانی هایش برخلاف افکار عمومی، تمجید و تقدیرش نموده است.

سوال اساسی این است که آیا بزرگواران در حکومت وحدت ملی این را می دانند که پراگندگی در تصمیم گیری های سکتورهای امنیتی، اعمال سلیقه ها و خویش خوری ها پراستیژ و ابوهت این نیروها را تقلیل می دهد؟ در حالیکه مردم به نیروهای امنیتی باور دارند، اما با گذشت هر روز انتظار مردم به حد اقل نزدیک می شود. تصمیم گیران در نیروهای امنیتی باید بدانند که برخورد سلیقه‌ای با این سکتورها در تضاد با منافع ملی است. در کنار مقرری ها ترفیع و تقاعد یک اصل پذیرفته شده در تمام نظام های منسجم دنیا است. به نظر من، ترفیعات اخیر در وزارت دفاع ملی تمام نورم های پذیرفته شده را زیر پا نموده و جز حاتم بخشی هایی بیش، چیزی دیگری نیست.

برخی آقایانی که رتبه های جنرالی را سرشانه می کنند و دوست دارند که مردم جنرال شان خطاب کنند، گاهی فکر کرده اند که لیاقت و شایستگی جنرال شدن را ندارند؟ جنرال، یعنی سنگردار و سنگر شکن را گویند. اگر مقرری ها و ترفیعات بدینگونه ادامه یابد، پی‌آمد مثبتی نخواهد داشت!

آگاهی‌دهی در عرصهٔ‌انتخابات

□ خُرمی

انستیتوت دموکراتیک ملی (NDI) دفتری در کابل دارد و در موارد مختلف از جمله انتخابات، با تجربهٔ که از برخی کشورها دارد، نماینده های احزاب سیاسی را در عرصهٔ انتخابات آموزش می دهد تا این نماینده گان در سطح گروه ها و احزاب مربوطهٔ شان، به آگاهی دهی بپردازند.

به همین سلسله، محترم مسعود احمد عزیزی یکتن از جوانان فعال جمعیت اسلامی افغانستان در عرصهٔ انتخابات، در برنامهٔ آموزشی انستیتوت دموکراتیک ملی (NDI) معرفی گردیده بود.

وی بعد از یک هفته فراگیری آموزش زیر عنوان (چرا یک وکیل پارلمان برندهٔ انتخابات نمی شود؟) روز پنجشنبهٔ هفتهٔ گذشته در حضور



تعدادی از جوانان جمعیت اسلامی افغانستان، آنچه را در موسسهٔ NDI، آموزش دیده بود با جوانان جمعیت اسلامی، در دفتر مرکزی این حزب، شریک ساخت. دراین نشست که نمایندهٔ NDI محترم داکتر عزیزالله عزیز نیز حضور داشت، محترم سید برهان الدین خلیلی مسوول

هماهنگی جمعیت اسلامی با انستیوت دموکراتیک ملی NDI نیز صحبت نمود. وی از همکاری های NDI با جمعیت اسلامی افغانستان سپاس گزاری کرد و پیشرفت ها در انتخابات های قبلی را مدیون آموزش ها و تلاش های آن نهاد، وانمود کرد.